



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# حضرت فاطمه زهرا

فائیم خانجانی

مطبع هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فاطمه زهرا سلام الله عليها دختر رسول خدا (ص) - زنان اسوه (۹)

نویسنده:

قاسم خانجانی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	فاطمه زهرا سلام الله علیها دختر رسول خدا (ص) - زنان اسوه (۹)
۷	مشخصات کتاب
۷	دیباچه
۱۵	درآمد
۱۷	مقدمه
۲۱	آشنایی با زندگی شخصی و خانوادگی فاطمه (علیها السلام)
۲۱	الف) ولادت، نام، لقب، شهرت و جایگاه
۲۴	ب) شیرخوارگی حضرت فاطمه (علیها السلام)
۲۵	ج) نام‌های حضرت فاطمه (علیها السلام)
۲۷	د) القاب حضرت فاطمه (علیها السلام)
۲۸	ه) کنیه‌های حضرت فاطمه (علیها السلام)
۲۹	جایگاه حضرت فاطمه (علیها السلام)
۲۹	الف) حضرت فاطمه (علیها السلام) از نگاه قرآن
۲۹	اشاره
۳۰	یک - سوره کوثر (۱)
۳۲	دو - سوره انسان یا دهر (۲)
۳۴	سه - آیه تطهیر
۳۵	چهار - آیه مودت
۳۸	پنج - آیه مباحله
۴۲	شش - آیه ذا القربی
۴۲	هفت - آیه ایثار
۴۳	هشت - آیه اعطاء

- ۴۴ ..... حضرت فاطمه (علیها السلام) از نگاه رسول خدا (ص)
- ۵۰ ..... حضرت فاطمه (علیها السلام) از نگاه امیرمؤمنان علی (ع)
- ۵۳ ..... ازدواج حضرت فاطمه (علیها السلام)
- ۵۳ ..... الف) مقدمات ازدواج
- ۵۷ ..... ب) مهریه حضرت فاطمه (علیها السلام)
- ۵۸ ..... ج) جهیزیه حضرت فاطمه (علیها السلام)
- ۶۲ ..... د) فرزندان حضرت فاطمه (علیها السلام)
- ۶۵ ..... حضرت فاطمه (علیها السلام) در عرصه سیاست و اجتماع
- ۶۹ ..... جلوه‌هایی از شخصیت حضرت فاطمه (علیها السلام)
- ۶۹ ..... اشاره
- ۶۹ ..... الف) قناعت
- ۱۱۵ ..... درباره مرکز

## فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها دختر رسول خدا (ص) - زنان اسوه (۹)

### مشخصات کتاب

- سرشناسه : خانجانی، قاسم، ۱۳۴۲ -  
 عنوان و نام پدید آور : فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها دختر رسول خدا (ص) - زنان اسوه (۹) / قاسم خانجانی.  
 مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۰.  
 مشخصات ظاهری : ۱۰۸ ص.  
 فروست : زنان اسوه؛ ۹.  
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۵۳-۷  
 وضعیت فهرست نویسی : فیا  
 موضوع : فاطمه زهرا (س)، ۸؛ قبل از هجرت - ۱۱ق.  
 رده بندی کنگره : BP۲۷/۲/خ۲۸ف۲ ۱۳۹۰  
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۳  
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۲۶۱۴۲  
 ص: ۱

### دیباچه













ص: ۷

حضرت فاطمه زهرا، صدیقه طاهره (علیها السلام)، دختر رسول خدا (ص)، نمونه روشن ایمان و تقوا و اسوه تمام عیار زنان و مردان مؤمن است. کمال وجودی این بانو سبب شد تا خدای متعال با اراده تخلف‌ناپذیر خود موهبت «طهارت از هر گونه پلیدی» را به او عطا کند و او را سرور زنان عالم و از مظاهر جلال و جمال خویش قرار دهد تا جایی که رضا و غضب او معیار حق و باطل و میزان اعمال و اوصاف دیگران قرار گیرد و این خود نشانه کامل عصمت آن دخت یگانه رسالت و کوثر است که خدای متعال در مقام امتنان، او را به حضرت ختمی مرتب هدیه فرمود.

برای درک ژرفای اقیانوس این بانوی کوثر، منبعی بهتر از قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) نیست. در قرآن کریم آیات بسیاری به صورت تأویل بر آن حضرت

ص: ۸

منطبق شده و در روایات نیز به مقام‌های معنوی بی‌شمار ایشان توجه شده است.

نوشتار حاضر، در معرفی این بانوی بی‌بدیل است که بیشتر با تکیه بر منابع اهل سنت به قلم محقق گرامی حجت الاسلام و المسلمین دکتر قاسم خانجانی نوشته شده است.

امید است این نوشته، مورد توجه آن بانوی کرامت قرار گیرد و در شناسایی شمه‌ای از شخصیت آن حضرت برای خوانندگان محترم مفید واقع شود.

در پایان مرکز تحقیقات حج بر خود لازم می‌داند که از زحمات بی‌شائبه پژوهشگر ارجمند جناب آقای دکتر خانجانی و تمام کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش کردند سپاسگزاری نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

ص: ۹

**درآمد**

در زمانی که تولد دختر در خانواده عرب جاهلی، مصیبتی بزرگ بود، در همان زمان که زنده به گور کردن دختران، امری رایج و زشتی آن از میان رفته بود و در عصری که خبر تولد دختر، چهره پدران نالایق را از شدت خشم سیاه می‌کرد؛ در همان زمان، در خانه‌ای در مکه، دختری پا به عرصه وجود می‌گذارد که نه تولدش مصیبت است، نه زنده به گور کردنش روا و نه خبر تولدش سیاهی بر چهره پدر می‌نشانند. بلکه به عکس او دختری است که تولدش پدر را غرق در شادی و سرور می‌کند. دختری که نور چشم پدر می‌شود و پاره تن او. دختری که زندگی‌اش به زندگی معنا می‌بخشد و مرگش، شادی‌ها را به کام مرگ می‌کشاند. دختری که کوثر است و خیر کثیر.

ص: ۱۰

دختری که میزان خشنودی و خشم خداست.

آری! او فاطمه است.

دردانه پیامبر (ص)، فاطمه اطهر.

آری او فاطمه است.



**مقدمه**

تاریخ زندگی بزرگان و رهبران دینی، بدون در نظر گرفتن زن یا مرد بودنشان، سراسر درس و عبرت است. از این رو همچنان که پیامبرانی چون حضرت ابراهیم، موسی، عیسی (علیهم السلام) و سرآمد آنان حضرت محمد (ص) الگوی بشرند، زنانی همچون آسیه، مریم، خدیجه و سرآمد آنان حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز الگوی انسان‌هایند. در صورتی زندگی این بزرگان می‌تواند برای ما الگو باشد که از زندگی آنان آگاهی درستی داشته باشیم. بر این اساس، هر قدر آگاهی ما از زندگانی رهبران و بزرگان دینی بیشتر و دقیق‌تر باشد، به همان میزان بهره‌مندی ما از این الگوها بیشتر خواهد شد. زندگی نورانی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز از این قبیل است که جا دارد به دقت بررسی شود تا سرمشق

ص: ۱۲

زندگی مان باشد. البته با تأسف فراوان باید گفت پس از رحلت رسول خدا (ص) و در سده نخستین گسترش اسلام، منع نقل و کتابت حدیث اهل بیت (علیهم السلام) و جعل احادیث ساختگی ضربه جبران‌ناپذیری بر تاریخ زندگی اهل بیت (علیهم السلام) و معارف اسلامی وارد کرد و بسیاری از گزارش‌های درست تاریخ زندگی اهل بیت (علیهم السلام) را به دست فراموشی سپرد. تاریخ زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز از این امر در امان نماند و بسیاری از گزارش‌های مربوط به زندگی ایشان، به‌ویژه در منابع نخستین تاریخ، تحریف یا حذف شد. با این حال، بخش اندکی از آن تاریخ تابناک نیز که در منابع آمده است، می‌تواند الگوی بسیار خوبی برای ما باشد. ما در این اثر کوشیده‌ایم که مطالب را به دور از تعصب، همراه با انصاف و بر پایه گزارش‌های معتبر سامان دهیم.

بنابراین بیشتر از منابع تاریخی کهن اهل سنت استفاده شده است و جز در برخی موارد که به دلیل کاستی زیاد یا احتمال تحریف گزارش‌های تاریخی، از منابع شیعی استفاده شده است.

کتاب‌های بسیاری درباره زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) به زبان‌های مختلف نگاشته شده است که

ص: ۱۳

ابتدا تصور می‌شود، شاید این موضوع بی‌نیاز از تحقیق و نگارش باشد، درحالی‌که با اندک تأمل فهمیده می‌شود برخی از این نوشته‌ها برای همه سطوح جامعه درخور استفاده نیست.

داشتن نگاهی متفاوت در نگارش شرح حال آن حضرت، تفصیل برخی نوشته‌ها، پرداختن به برخی زوایای زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام)، استفاده نکردن یا استفاده اندک از منابع اهل سنت، استناد به برخی گزارش‌های سست در پاره‌ای از نوشته‌ها و تخصصی بودن تعدادی از کتاب‌ها، از دلایلی بوده که ضرورت نگارش چنین نوشته‌ای را به وجود آورده است.

با این توضیح، نوشته حاضر ضمن پرداختن به مباحث مهم زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام)، روان بودن، سادگی، اختصار و مستند بودن به منابع را رعایت کرده و بیشتر ارجاع مطالبش، به منابع اهل سنت است.

گفتنی است چون این پژوهش بیشتر بر پایه منابع اهل سنت بوده، حجم برخی مباحث آن نیز کم شده است. درحالی‌که همین مباحث در منابع شیعی با تفصیل بیشتری مطرح شده‌اند.



## آشنایی با زندگی شخصی و خانوادگی فاطمه (علیها السلام)

### الف) ولادت، نام، لقب، شهرت و جایگاه

پدر بزرگوار حضرت فاطمه (علیها السلام)، رسول خدا (ص)، خاتم پیامبران و اشرف رسولان الهی است که قرآن، او را برترین الگو و اسوه حسنه معرفی کرده است. (۱)

مادر حضرت فاطمه (علیها السلام)، حضرت خدیجه (علیها السلام) دختر «خوئیلد بن اسد» است.

حضرت خدیجه (علیها السلام) از زنان بزرگی بود که هیچ‌گاه به شرک و بت‌پرستی نگرایید و نخستین زنی بود که اسلام آورد و با تمام وجود از اسلام حمایت کرد.

---

۱- لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ «به یقین برای شما در زندگی پیامبر خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند». احزاب: ۲۱

ص: ۱۶

شاید بدین سبب هرگاه جبرئیل بر رسول خدا (ص) نازل می‌شد، سلام خداوند را به حضرت خدیجه (علیها السلام) می‌رساند و او را به جایگاه ویژه‌ای در بهشت بشارت می‌داد. (۱)

در تعیین زمان تولد حضرت فاطمه (علیها السلام) اختلاف است. این اختلاف سبب شده است درباره زمان شهادت و مدت عمر آن حضرت نیز نظرات متفاوتی بیان شود. گفتنی است این اختلاف، هم در منابع اهل سنت و هم در منابع شیعی وجود دارد. بنا بر نظر مشهور شیعه، آن حضرت در سال پنجم بعثت ولادت یافت. (۲) برخی منابع شیعی نیز سال دوم بعثت را سال ولادت ایشان دانسته‌اند. (۳) در بیشتر منابع به روز تولد ایشان اشاره نشده است، اما تعدادی از منابع شیعی روز تولد ایشان را بیستم جمادی‌الثانیه آورده‌اند. (۴)

نظر مشهور اهل سنت این است که حضرت

۱- ر. ک: المصنف، ابن ابی شیبیه، ج ۷، ص ۵۳۹؛ مسند، احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۲۳۱؛ صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۳۱؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۳.

۲- الکافی، کلینی، ج ۱، ص ۴۵۷؛ الهدایة الکبری، خصیبی، ص ۱۷۵؛ مسأّر الشیعه، شیخ مفید، ص ۵۴.

۳- مصباح المتعجد، طوسی، ص ۷۹۳.

۴- همان؛ دلائل الامامه، طبری، ص ۷۹.

ص: ۱۷

فاطمه (علیها السلام) پنج سال پیش از بعثت و به هنگام تجدید بنای کعبه به دست قریش (زمانی که رسول خدا (ص) ۳۵ سال داشته) به دنیا آمده است. (۱) تعدادی از منابع اهل سنت بدون اشاره به همزمان بودن ولادت ایشان با بازسازی کعبه به دست قریش، تنها به تولد ایشان، پنج سال پیش از بعثت، اشاره کرده‌اند. (۲) همچنان که برخی نیز بدون اشاره به سال تولد ایشان، تنها به همزمان بودن ولادت ایشان با بازسازی کعبه اشاره کرده‌اند. (۳)

البته زمان تولد ایشان را سال‌های دیگری هم گفته‌اند؛ چنان که هفت سال و نیم پیش از بعثت (۴) و چهار سال پیش از بعثت هم گفته شده است. (۵) براساس برخی منابع، تولد ایشان در ۴۱ سالگی رسول خدا (ص) بوده است (۶) که در این صورت یک سال

- ۱- الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸، ص ۱۶؛ معرفه الصحابه، ابونعیم، ج ۶، ص ۳۱۸۷.
- ۲- المنتظم، ابن جوزی، ج ۴، ص ۹۵.
- ۳- عمدۀ القاری، عینی، ج ۱۶، ص ۲۴۹.
- ۴- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، هیتمی، ج ۹، ص ۲۱۱؛ عمدۀ القاری، ج ۱۶، ص ۲۴۹.
- ۵- ذکر اخبار اصفهان، ابونعیم، ج ۱، ص ۱۸۳.
- ۶- الاستیعاب، ابن عبدالبر، ج ۴، ص ۴۴۸؛ تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، ج ۳، ص ۱۵۷؛ ذخائر العقبی، طبری، ص ۲۶.

ص: ۱۸

پس از بعثت می‌شود؛ چنان‌که برخی نیز بدون اشاره به سال آن، تنها به ولادت ایشان پس از نزول وحی اشاره کرده‌اند. (۱) تعدادی از منابع اهل سنت نیز بدون آنکه زمانی را ترجیح دهند، همه موارد یاد شده را آورده‌اند. (۲)

شواهد و قراینی در گزارش‌های تاریخی وجود دارد که براساس آنها می‌توان نتیجه گرفت که تولد آن حضرت پیش از بعثت رسول خدا (ص) نبوده است. همچنان‌که می‌توان احتمال داد پنج سال پس از بعثت نیز نبوده است. بلکه در سال‌های ابتدای بعثت، مثلاً در سال اول یا دوم بعثت بوده است؛ چنان‌که برخی منابع شیعه (۳) و اهل سنت (۴) نیز بدان اشاره کرده‌اند.

### ب) شیرخوارگی حضرت فاطمه (علیها السلام)

از نکات درخور توجه زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام)، دوران شیرخوارگی آن حضرت است. با آنکه سپردن

۱- ر. ک: جمهره النسب، ابن کلبی، ج ۱، ص ۱۸؛ مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص ۲۹۲.

۲- ر. ک: امتاع الاسماع، مقریزی، ج ۵، ص ۳۵۱؛ سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، ج ۱۱، ص ۳۷.

۳- مصباح المتعجد، ص ۷۹۳.

۴- المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۶۱؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۴۸.



ص: ۱۹

نوزادان به دایه برای شیرخوردن، کاری رایج و عادی در آن دوران بود و حتی رسول خدا (ص) را نیز به همین منظور به «حلیمه سعدیه» سپردند، اما مادر بزرگوار حضرت فاطمه (علیها السلام)، به این موضوع توجه ویژه‌ای داشت و از این رو گفته‌اند که آن حضرت، فرزندانش را برای شیر خوردن به دایه می‌سپرد؛ جز حضرت فاطمه (علیها السلام) را که خودش شیر داد. (۱)

### ج) نام‌های حضرت فاطمه (علیها السلام)

فاطمه، رایج‌ترین و مشهورترین نامی است که برای این دختر بزرگوار رسول خدا (ص) گفته‌اند. براساس روایات مشهور و موجود در منابع اهل سنت و شیعه، علت نام‌گذاری آن حضرت این است که خداوند متعال آن حضرت و شیعیانش را از آتش دوزخ دور می‌کند و نجات می‌دهد (۲)؛ زیرا فاطمه در لغت از «فطم» به معنای جدا شدن و بریدن آمده است. (۳)

۱- تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۱۲۸؛ البدایه و النهایه، ابن کثیر، ج ۵، ص ۳۲۸.

۲- تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۱۲، ص ۳۲۸؛ امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۱۹۶؛ سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۵۲؛ فیض القدیر، مناوی، ج ۱، ص ۲۱۷.

۳- لسان العرب، ابن منظور، ماده «فطم»، ج ۱۲، ص ۴۵۴.

ص: ۲۰

البته به تناسب معنای لغوی فاطمه، روایات مختلفی در دست است که بر معانی دیگری نیز دلالت می‌کند؛ از جمله آنکه به ایشان فاطمه گفته‌اند چون دیگران از رسیدن به معرفت ایشان دورند و توان شناخت ایشان را ندارند.<sup>(۱)</sup> یا بدان سبب به ایشان فاطمه گفته‌اند که او از شرک و بت پرستی جدا و بریده بوده یا خداوند او را از شرک بریده است.<sup>(۲)</sup>

همچنین براساس روایتی از امام باقر (ع)، به ایشان فاطمه گفته‌اند، چون خداوند ایشان را به سبب علمش از دیگران جدا و از ناپاکی‌های زنانه دور کرده است.<sup>(۳)</sup> به هر حال، هر یک از این معانی در نظر باشد، یک مفهوم مشترک را می‌توان برای آنها در نظر گرفت که آن حضرت از هر ناپاکی ظاهری و باطنی، شرک و بت پرستی دور بود و چنان شخصیت ممتازی دارد که شناخت واقعی ایشان برای دیگران آسان نیست.

البته براساس برخی روایات، پس از آنکه حضرت فاطمه (علیها السلام) ولادت یافت، رسول خدا (ص) نام ایشان را «منصوره» گذاشت. اما جبرئیل نازل شد و به

۱- تفسیر فرات، فرات کوفی، ص ۵۸۱.

۲- علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۱۲؛ دلائل الامامه، ص ۸.

۳- علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۱۲.

ص: ۲۱

رسول خدا (ص) گفت: «خداوند به تو و مولود تو سلام می‌رساند و می‌فرماید نام این مولود را فاطمه بگذار». (۱)

بنابر نقلی دیگر، نام آن حضرت در آسمان منصوره و در زمین فاطمه است. (۲) به‌رحال نام‌های ایشان را فاطمه و فاطم گفته‌اند. ممکن است در پاره‌ای منابع، برخی القاب آن حضرت را جزو نام‌های ایشان آورده باشند یا برخی نام‌ها و لقب‌ها، به‌جای یکدیگر به کار رفته باشد که چندان مهم نیست. به‌رحال، نام مشهور ایشان، فاطمه، لقب مشهور ایشان «زهرا» و کنیه مشهور ایشان «ام‌ابیها» است. (۳)

گفتنی است که برخی منابع شیعه با استفاده از آیات و روایات برای آن حضرت حدود دویست نام، لقب و کنیه برشمرده‌اند. (۴)

### د) القاب حضرت فاطمه (علیها السلام)

حضرت فاطمه (علیها السلام) دارای کمالات روحی و معنوی بسیاری بود. از این رو، برای ایشان لقب‌های بسیاری برشمرده‌اند که تعدادی از این القاب به شکل پراکنده

۱- میزان الاعتدال، ذهبی، ج ۳، ص ۴۳۰.

۲- تفسیر فرات، ص ۳۲۲؛ معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۳۹۷.

۳- معجم الکبیر، طبرانی، ج ۲۲، ص ۳۹۷.

۴- الاسرار الفاطمیه، محمدفاضل مسعودی، ص ۲۷۹.

ص: ۲۲

در منابع آمده است. برخی از این القاب عبارت‌اند از: بتول، زهرا، زهره، طاهره، طهر، علیمه، عالمه، حکیمه، زاهره، محدثه، تقیه، نقیه، سیده، زاهده، مضطهده، حلیمه، مظلومه، شهیده و مواردی دیگر.

### ه) کنیه‌های حضرت فاطمه (علیها السلام)

کنیه نامی است که با «ابو»، «ابی»، «ابا»، «ام»، «ابن» و «بنت» آغاز می‌شود و معمولاً در زبان عربی، افراد برای شرافت یا شهرت‌های دیگری به پدر، مادر، فرزند یا موضوع ویژه‌ای منتسب و به آن خوانده می‌شوند و چه بسا افرادی که به دلایل مختلف، چند کنیه دارند.

حضرت فاطمه (علیها السلام) به دلیل داشتن ویژگی‌های مختلف، کنیه‌های بسیاری دارند که تعدادی از آنها عبارت‌اند از: ام‌الائمه، ام‌ابیها، ام‌اسماء، ام‌الفضائل، ام‌التقی، ام‌التقی، ام‌العطیه، ام‌الرأفه، ام‌الموانح، ام‌البديه، ام‌النورین، ام‌العلاء، ام‌الرواق‌الحسیبه، ام‌الهادی، ام‌البرکات، ام‌البدیین و ام‌الرحبه. (۱)

۱- الهدایة الکبری، خصیبی، ص ۱۷۶.

ص: ۲۳۰

**جایگاه حضرت فاطمه (علیها السلام)****الف) حضرت فاطمه (علیها السلام) از نگاه قرآن****اشاره**

در قرآن کریم از حضرت فاطمه (علیها السلام) نامی برده نشده است، اما مفسران نزول برخی از سوره‌ها و آیات قرآن را در شأن آن حضرت می‌دانند. براساس برخی منابع، شأن نزول بیش از پنجاه آیه یا اختصاص به حضرت فاطمه (علیها السلام) دارد یا مشترک بین ایشان و سایر اهل بیت (علیهم السلام) است. (۱)

البته این موارد به جز آیاتی است که درباره مؤمنان، پرهیزکاران، صالحان، اهل یقین و سایر افراد نیکوکار نازل شده است؛ زیرا در این آیات نیز یکی از افراد مورد خطاب، حضرت فاطمه (علیها السلام) است؛ چرا که ایشان

---

۱- الخصائص الفاطمیه، کجوری، ج ۲، ص ۳۹۰.

ص: ۲۴

از برترین مؤمنان، صالح‌ترین افراد و باتقواترین زنان بوده‌اند و طبیعی است که در آیات یادشده، به‌عنوان مهم‌ترین مصداق، مورد خطاب باشد. البته در این بخش، بحث درباره سوره‌ها یا آیاتی است که حکم کلی ندارند و مستقیم یا غیر مستقیم با شخص حضرت فاطمه (علیها السلام) ارتباط دارند و به شکلی مربوط به آن حضرت می‌شوند. با توجه به آنکه تعداد این آیات بسیارند و اشاره به تمام آنها در این نوشتار نمی‌گنجد، در اینجا در نهایت اختصار تنها به سوره‌ها و برخی از این آیات اشاره می‌شود:

### یک - سوره کوثر (۱)

عموم مفسران شیعه و اهل سنت این سوره را در شأن حضرت فاطمه (علیها السلام) دانسته‌اند. کوثر بر وزن فَوَعَلَ به معنای زیادی در کثرت است. (۲) کوثر را خیر کثیر معنا کرده‌اند و چون خداوند به رسول خدا (ص) می‌فرماید ما به تو کوثر عطا کردیم، یعنی خیر کثیر دادیم.

۱- سوره ۱۰۸ قرآن کریم.

۲- تفسیر الکبیر، فخر رازی، ج ۳۲، ص ۱۲۴.

ص: ۲۵

بنابر گزارش‌های تاریخی، چون قاسم و عبدالله، پسران رسول خدا (ص)، زود از دنیا رفتند، برخی از دشمنان رسول خدا (ص) به تحقیر و تمسخر آن حضرت پرداختند و ایشان را ابتر (کسی که نسلش ادامه ندارد) خواندند. از این رو، سوره کوثر نازل شد و ضمن اعلام بخشیدن کوثر (حضرت فاطمه (علیها السلام)) به آن حضرت، شماتت کنندگان رسول خدا (ص) را ابتر دانست.

«فخر رازی» در سبب نزول این سوره شش قول را به تفصیل آورده و گزارش‌هایی نقل کرده است که سخن مشترک این اقوال، تمسخر و تحقیر رسول خدا (ص) از سوی مشرکان و دشمنان بوده است. وی با بیان یکی از این اقوال می‌گوید:

گفته‌اند عاص بن وائل (پدر عمرو بن عاص) به سران مشرک قریش می‌گفت: «محمد ابتر است و پسری ندارد که جانشین او شود و اگر رحلت کند نسل پسری او قطع شده است و شما راحت می‌شوید». (۱) سپس سوره کوثر نازل شد و به مشرکان و دشمنان رسول خدا (ص) پاسخی دندان‌شکن داد که اگر چه رسول خدا (ص) پسر ندارد، اما دخترش برای او خیر

---

۱- تفسیر الکبیر، فخر رازی، ج ۳۲، ص ۱۳۲؛ السیره النبویه، ابن کثیر، ج ۴، ص ۶۰۷. با اندکی تصرف

ص: ۲۶

فراوان دارد. از آنجا که این سوره در رد قول افرادی است که آن حضرت را به نداشتن اولاد عیب می گرفتند، پس معنایش این است که به آن حضرت نسل و فرزندان بسیاری عطا می شود. ببینید چقدر از اهل بیت را تا به حال به قتل رسانده اند. اما با این حال دنیا پر از نسل رسول خداست. درحالی که از بنی امیه که عاص بن وائل از آن تیره بود، هیچ کس که قابل اعتنا باشد باقی نمانده است. (۱)

## دو - سوره انسان یا دهر (۲)

براساس برخی روایات تاریخی و برخی تفاسیر، روزی امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) در کودکی بیمار شدند و رسول خدا (ص) از آنان عیادت کرد و به امیرمؤمنان (ع) توصیه فرمود تا برای بهبود حال آن دو نذر کند. از این رو امیرمؤمنان (ع)، حضرت فاطمه (علیها السلام) و فضّه (کنیز آنان) نذر کردند که اگر آن دو بهبود یابند، سه روز را روزه بگیرند. به هنگام افطار روز نخست، مسکینی به در خانه آمد و تقاضای غذایی کرد و آنان غذای خود را به آن مسکین دادند. روز دوم هم یتیمی از آنان تقاضای غذا

۱- تفسیر الکبیر، ج ۳۲، ص ۱۲۶.

۲- سوره ۷۶ قرآن کریم.



ص: ۲۷

کرد و آنان غذای خود را به او بخشیدند و در روز سوم نیز اسیری تقاضای غذا کرد و آنان غذای خود را به او دادند و بدین صورت، آنان سه روز روزه گرفتند، درحالی که افطار خود را در راه خدا دادند و سوره دهر، به ویژه آیات زیر در شأن آنان نازل شد:

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا \* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا (انسان: ۸ و ۹)

و غذای [خود] را با اینکه به آن علاقه [و نیاز] دارند، به مستمند و یتیم و اسیر می‌دهند. [و می‌گویند:] ما شما را برای خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.

نزول این آیات، افتخاری دیگر برای اهل بیت و حضرت فاطمه (علیها السلام) بود. (۱)

البته برخی مفسران تمام سوره را درباره این ماجرا می‌دانند (۲) و برخی گفته‌اند تعداد دیگری از آیات، از جمله آیات ۵ تا ۲۲ سوره انسان؛ یعنی از إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا؛ «به یقین ابرار [و نیکان] از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته

۱- تفسیر سمعانی، ج ۶، ص ۱۲۴؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیضاوی، ج ۵، ص ۴۲۸.

۲- الکشاف، زمخشری، ج ۴، ص ۱۶۹.

ص: ۲۸

است. (انسان: ۵) تا آیه إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيِكُمْ مَشْكُورًا؛ «این پاداش شماست و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است». (انسان: ۲۲) در شأن آنان نازل شده است.

### سه - آیه تطهیر

از آیات بسیار مشهور درباره رسول خدا (ص) و اهل بیت آن حضرت که آنان را به پاکی و طهارت ستوده، آیه تطهیر است. (۱) براساس روایات فراوانی که نقل شده است، رسول خدا (ص) به حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: همسر و دو پسرت را بیاور. چون آنان را حاضر کرد، رسول خدا (ص) عبایی روی آنان انداخت و دست مبارک را روی آنان گذاشت و فرمود: «خدایا اینان اهل بیت من هستند، درود و برکات خود را بر آنان بفرست». یا فرمود: «اینان اهل بیت من هستند، پلیدی را از آنان دور کن و آنان را به خوبی پاک گردان». سپس این آیه نازل شد. (۲)

۱- خداوند می‌فرماید: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**؛ «خداوند فقط می‌خواهد پلیدی گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد». احزاب: ۳۳

۲- جامع البیان، طبری، ج ۲۲، ص ۱۱؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۳، ص ۵۳؛ تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۳، ص ۴۹۴.

ص: ۲۹

اگرچه برخی از تفاسیر اهل سنت در توضیح و محدوده معنای اهل بیت، سخنان نادرستی آورده‌اند، اما مفسران شیعه و بسیاری از مفسران اهل سنت، مصداق اهل بیت را تنها رسول خدا (ص)، امیر مؤمنان علی (ع)، حضرت فاطمه (علیها السلام)، امام حسن مجتبی (ع) و امام حسین (ع) می‌دانند و نزول این آیه را درباره هر کس دیگری رد کرده‌اند.

از «ام سلمه»، همسر رسول خدا (ص)، نقل شده است که آیه تطهیر زمانی نازل شد که من نزدیک در خانه نشسته بودم. چون این آیه نازل شد من از رسول خدا (ص) پرسیدم: «آیا من از اهل بیت نیستم؟» فرمود: «تو در مسیر خوبی و نیکی هستی و از همسران پیامبری». ام سلمه گوید: «در خانه پیامبر (ص)، علی (ع)، فاطمه (علیها السلام)، حسن (ع) و حسین (ع) حضور داشتند».

### چهار- آیه موَدّت

آیه دیگری که در شأن حضرت فاطمه (علیها السلام) و سایر اهل بیت (علیهم السلام) نازل شده، آیه موَدّت است. (۱) در سبب

۱- قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ؛ «بگو: من هیچ گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم اهل بیتم و هر کس کار نیکی انجام دهد بر نیکی اش می‌افزایم، چرا که خداوند آمرزنده و قدردان است». شوری: ۲۳.

ص: ۳۰

نزول این آیه گفته‌اند که یک نفر اعرابی خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد:

ای محمد! اسلام را بر من عرضه کن. آن حضرت فرمود: «شهادت بده که خدایی جز الله نیست که شریک ندارد و محمد بنده و فرستاده اوست». سپس اعرابی گفت: «از من اجرتی بخواه». فرمود: «نه، مگر دوستی با نزدیکان». پرسید: «نزدیکان من یا نزدیکان تو؟» فرمود: «نزدیکان من». گفت: «دستت را بیاور تا با تو بیعت کنم. لعنت خدا بر کسی باد که تو و نزدیکانت را دوست ندارد». رسول خدا (ص) فرمود: «آمین».

«زمخشری» گوید:

هنگامی که این آیه نازل شد، از رسول خدا (ص) پرسیدند: «این نزدیکان که دوستی با آنان بر ما واجب شده است، چه کسانی‌اند؟» فرمود: «علی (ع) و فاطمه و دو پسران آن دو». (۱)

برخلاف نظر برخی علمای اهل سنت که به این گونه روایت‌ها اشکال می‌گیرند و آنها را رد می‌کنند، دوستی و محبت در این آیه و خطاب آن، چنان آشکار است که در برخی منابع اهل سنت، روایت مشهور مربوط به آثار محبت به آل محمد (ص) را که در منابع شیعی به تفصیل

۱- الکشاف، ج ۳، ص ۴۶۷؛ نیز ر. ک: معجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۳۵۲؛ تفسیر نسفی، ج ۴، ص ۱۰۱.

ص: ۳۱

آمده است، در ذیل همین آیه آورده‌اند. (۱)

۱- رسول خدا ص فرمود: «مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا. أَلَا- وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ. أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِبًا. أَلَا- وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِنًا مُسْتَكْمِلَ الْإِيمَانِ. أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بَشَرَهُ مَلَكَ الْمَوْتِ بِالْجَنَّةِ ثُمَّ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ. أَلَا- وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ يُرْفُ إِلَى الْجَنَّةِ كَمَا تُرْفُ الْعُرُوسُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا. أَلَا- وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ فَتُحَّ لَهٗ فِي قَبْرِهِ بَايَانٌ إِلَى الْجَنَّةِ. أَلَا- وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جَعَلَ اللَّهُ قَبْرَهُ مَرَارَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ. أَلَا- وَمَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ عَلَى السُّنَّةِ وَ الْجَمَاعَةِ. أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ. أَلَا- وَمَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ كَافِرًا. أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى بُغْضِ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشْمَ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ» ؛ «کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، مرگ او را دریافته درحالی که شهید از دنیا رفته است. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، مرگ او را دریافته درحالی که گناهان او آمرزیده شده است. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، مرگ او را دریافته درحالی که از گناهان خویش [به سوی خدا] توبه کرده است. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، مرگ او را دریافته درحالی که دارای ایمان کامل بوده است. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، عزرائیل ع که قابض ارواح است [پیش از قبض نمودن روح او] و نکیر و منکر که دو فرشته موکل به سؤال در قبرند او را به دخول به بهشت بشارت دهند. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، او را با جلالت به سوی بهشت می‌برند، همان‌گونه که عروس را به خانه شوهر می‌فرستند. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، دو در از بهشت به روی او گشوده می‌شود. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، خداوند قبر او را زیارتگاه فرشتگان رحمت قرار می‌دهد. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای محبت و دوستی آل محمد علیهم السلام باشد، مرگ او را دریافته درحالی که به سیره و روش پیغمبر و جماعت حق از دنیا رفته است. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای بغض و دشمنی به آل محمد علیهم السلام باشد، روز قیامت بیاید [در صحرای محشر] درحالی که بین چشمان او در -

ص: ۳۲

## پنج- آیه مباهله

(۱)(۲)

آیه دیگری که بخشی از شخصیت حضرت فاطمه (علیها السلام) در آن آشکار شده، آیه مباهله است. (۳) این آیه مربوط به جریان مشهور مباهله پیامبر (ص) با مسیحیان نجران است. (۴)

۱- پیشانی‌اش نوشته شده است: «این ناامید از رحمت پروردگار است». آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای خشم و دشمنی با آل محمد علیهم السلام باشد، به حال کفر از دنیا رفته است. آگاه باشید! کسی که بمیرد و دارای بغض و عداوت با آل محمد علیهم السلام باشد، بوی بهشت را استشمام نمی‌کند؛ ر. ک: الکشف و البیان فی تفسیر القرآن، ثعلبی، ج ۸، ص ۳۱۴؛ تفسیر الکبیر، ج ۲۷، ص ۱۶۶؛ تفسیر، ابن عربی، ج ۲، ص ۲۱۹.

۲- مباهله از ماده «بهل» به معنای لعنت و نفرین کردن است و مباهله از باب مفاعله، به لعنت و نفرین کردن دو نفر یا دو گروه ضد یکدیگر و پافشاری بر نفرین گفته می‌شود.

۳- خداوند می‌فرماید: فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ «هرگاه بعد از علم و دانشی که به تو رسیده، [باز] کسانی درباره مسیح با تو به ستیز برخیزند، بگو: «بیایید ما پسران خود را دعوت کنیم، شما نیز پسران خود را. ما زنان خود را دعوت نمایم شما نیز زنان خود را. ما از نفوس خود [و کسی که همچون جان ماست]، شما نیز از نفوس خود. آن‌گاه مباهله [و نفرین] کنیم و لعنت خدا را بر دروغ‌گویان قرار دهیم». آل عمران: ۶۱.

۴- بیشتر منابع، روز انجام مباهله را روز ۲۴ ذی‌حجه گفته‌اند، اما درباره سال مباهله اختلاف وجود دارد و آن را در سال سوم، هشتم، نهم و دهم هجرت آورده‌اند که به دلایلی، از جمله گرفتن جزیه از اهل نجران که سال نهم بوده است و نیز سال نهم را سال وفود می‌دانند، به نظر می‌رسد سال نهم درست‌تر باشد. برای زمان و چگونگی مباهله، ر. ک: السیره النبویه، ابن هشام، ج ۲، صص ۲۳۲ و ۲۳۳، که متأسفانه ابن هشام به جزئیات ماجرا اشاره نکرده است؛ دلائل النبوه، بیهقی، ج ۵، صص ۳۸۲-۳۹۳.

ص: ۳۳۰

بحث درباره این ماجرا و تفسیر این آیه، نیاز به نوشته‌ای جداگانه دارد. اما به ناچار و در نهایت اختصار، تنها به آن بخش اشاره می‌شود که به حضرت فاطمه (علیها السلام) مربوط است.

مسیحیان براساس اعتقاد باطل خود، می‌گفتند حضرت عیسی (ع) پسر خداست و چنین استدلال می‌کردند که نمی‌شود کسی بدون داشتن پدر به دنیا بیاید. از این رو خداوند متعال در قرآن به رسول خدا (ص) دستور داد تا از مسیحیان نجران بخواهد که اگر درباره حضرت عیسی (ع) بر اعتقاد خود باقی‌اند، خود را برای مباهله آماده کنند و طبق این آیه فرمود که خودشان، پسرانشان و زنانشان را برای مباهله حاضر کنند.

هنگامی که رسول خدا (ص) این آیه را برای نمایندگان مسیحیان نجران خواند و آنان را به مباهله دعوت کرد، آنان گفتند: «برمی‌گردیم و در کار خود می‌اندیشیم و نزد تو می‌آییم». سپس آنان از «عاقب» که بزرگ آنان و صاحب نظر بود، پرسیدند: «ای عبدالمسیح! نظر تو چیست؟» گفت:

به خدا سوگند! ای گروه نصاری! شما شناخته‌اید که محمد نبی مرسل است و سخن او درباره حضرت

ص: ۳۴

عیسی حق است. به خدا سوگند! هیچ قومی با هیچ پیغمبری مباحله نکرد، مگر آنکه بزرگ و کوچکشان از بین رفتند. اگر شما بر دیتان اصرار دارید و بر اعتقادتان پایدارید، با او خداحافظی کنید و به شهرهای خود برگردید.

پس از این بود که دیدند رسول خدا (ص)، امام حسین (ع) را در بغل گرفته و دست امام حسن (ع) را نیز گرفته است و حضرت فاطمه (علیها السلام) از پشت سر او و حضرت علی (ع) پشت سر حضرت فاطمه (علیها السلام) می‌آیند و رسول خدا (ص) به آنان می‌فرماید: «هرگاه من دعا کردم، شما هم آمین بگویید».

اُسقف چون آن حضرت را بدین حالت دید، گفت:

ای گروه نصاری! من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر از خدا بخواهند کوهی را از جا برگنند، حتماً آن کوه از جای برکنده می‌شود. پس با او مباحله نکنید که هلاک می‌شوید و تا روز قیامت در روی زمین یک نفر نصرانی باقی نمی‌ماند.

سپس آنان گفتند: «ای ابوالقاسم! نظر ما این است که با تو مباحله نکنیم و تو را به دین خودت واگذاریم». رسول خدا (ص) فرمود:

«اگر مباحله نمی‌کنید



ص: ۳۵

پس اسلام بیاورید و در ضرر و منفعت با مسلمانان همراه باشید». آنان پیشنهاد حضرت را نیز نپذیرفتند. از این رو رسول خدا (ص) آنان را به جنگ فراخواند. آنان گفتند: «ما توان جنگ با عرب را نداریم، اما حاضریم با تو صلح کنیم و حضرت نیز با شرایطی با آنان صلح کرد» (۱).

بنابراین، از این ماجرا برمی آید که آن حضرت در روز مباهله امیر مؤمنان (ع) را به منزله جان خود و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را به منزله پسران خود و حضرت فاطمه (علیها السلام) را به منزله زنان خود حاضر کرد. این جریان، ضمن اثبات حقانیت پیامبر (ص)، بخشی دیگر از فضیلت‌های بی نظیر اهل بیت رسول خدا (ص)، از جمله حضرت فاطمه (علیها السلام) را نیز آشکار ساخت؛ زیرا رسول خدا (ص) از میان همسران خود و زنان شایسته مهاجر و انصار، تنها حضرت فاطمه (علیها السلام) را مصداق نِسَاءِنا در آیه دانست (۲)؛ چنان که امیر مؤمنان (ع) را نیز

۱- مدارک التنزیل و حقایق التأویل، نسفی، ج ۱، صص ۱۵۷ و ۱۵۸؛ تفسیر الکبیر، ج ۸، ص ۸۵؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۲، ص ۴۷.

۲- گرچه برخی گفته‌اند اگر نِسَاءِنا در کنار «رجالنا» بود به معنای همسران بود، اما چون در کنار اُنْبَاءِنا آمده به معنای دختران است. اما به هر حال، حتی اگر چنین باشد، از فضیلت حضرت فاطمه علیها السلام چیزی نمی‌کاهد.

ص: ۳۶

مصدق أَنفُسِنَا و به منزله جان خودشان و امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) با آنکه نوه‌های ایشان بودند را مصداق اَبْنَاءِنَا و به منزله پسران خودشان دانست.

### شش - آیه ذا القربی

واژه «ذوالقربی» به معنای نزدیکان است و در قرآن کریم در چند مورد، از جمله آیه خمس (۱) و ذوالقربی (۲) آمده است که معمولاً به اهل بیت (علیهم السلام) اطلاق می‌شود. البته مصداق بارز آیه ذوالقربی، حضرت فاطمه (علیها السلام) است؛ زیرا در روایات آمده است که چون این آیه نازل شد، رسول خدا (ص) حضرت فاطمه (علیها السلام) را فراخواند و فدک را به وی بخشید. (۳)

### هفت - آیه اِثَار

براساس برخی روایات، مردی خدمت پیامبر (ص) آمد و از گرسنگی شکایت کرد. آن حضرت او را به خانه

۱- انفال: ۴۱.

۲- خداوند می‌فرماید: وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَ الْمِسْكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ لَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا؛ «و حق خویشاوندان را بپرداز و [همچنین حق] مستمند و وامانده در راه را و هرگز اسراف و تبذیر مکن». اسراء: ۲۶

۳- شواهد التنزیل، حسکانی، ج ۱، ص ۴۴۰؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ص ۱۰۷؛ الدر المنثور، سیوطی، ج ۴، ص ۱۷۷.

ص: ۳۷

همسرانش راهنمایی کرد، اما آنان گفتند ما چیزی جز آب نداریم. سپس آن حضرت فرمود: «چه کسی امشب او را میهمان می‌کند؟» امیرمؤمنان (ع) اعلام آمادگی کرد و آن مرد را به خانه برد. حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: «ما چیزی جز غذای فرزندانمان نداریم، اما میهمان را بر خودمان ترجیح می‌دهیم». امیرمؤمنان (ع) نیز فرمود: «کودکان را بخوابان و من چراغ را برای میهمان خاموش می‌کنم». آنان چنین کردند و میهمان، غذایش را خورد و چون صبح شد خداوند این آیه (۱) را که به آن آیه ایثار گفته‌اند در شأن آنان نازل فرمود. (۲)

### هشت - آیه اعطاء

در برخی تفاسیر اهل سنت آمده است که روزی رسول خدا (ص) بر امیرمؤمنان (ع) و حضرت فاطمه (علیها السلام)

- ۱- خداوند می‌فرماید: وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ «و برای [نیازمندان از] کسانی است که در این سرا سرزمین مدینه و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده، احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند، هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند و کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگارانند». حشر: ۹
- ۲- شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۳۱.

ص: ۳۸

وارد شد و دید که حضرت فاطمه (علیها السلام) در حال آسیا کردن آرد است و جامه‌ای از پوست شتر برتن دارد. چون آن حضرت را در این حال دید، فرمود: «ای فاطمه! تلخی دنیا برای شیرینی آخرت است». یا فرمود: «تلخی دنیا را بچش برای نعمت‌های آخرت در فردای قیامت». سپس آیه اعطاء (۱) نازل شد. (۲)

### ب) حضرت فاطمه (علیها السلام) از نگاه رسول خدا (ص)

فرزندان ممکن است به تناسب برخی امتیازات، از جمله بزرگ‌تر بودن در نظر پدر و مادر، جایگاه ویژه‌ای داشته باشند، اما حضرت فاطمه (علیها السلام) با آنکه کوچک‌ترین دختر رسول خدا (ص) بود، نزد آن حضرت جایگاه بسیار ممتازی داشت به طوری که گفته‌اند آن حضرت از میان فرزندانش به حضرت فاطمه (علیها السلام)، محبتی ویژه داشت. به گفته عایشه، رسول خدا (ص)، حضرت فاطمه (علیها السلام) و امام علی (ع) را بیش از همه مردم دوست می‌داشت. (۳) یا تصریح شده است که حضرت

۱- خداوند می‌فرماید: وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى ؛ «و به زودی پروردگارت آن قدر به تو عطا خواهد کرد که راضی شوی».

ضحی: ۵

۲- شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۴۵؛ ر. ک: الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۶۱؛ فتح القدير، شوکانی، ج ۵، ص ۴۶۰.

۳- معرفة الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۸۸.

ص: ۳۹

فاطمه (علیها السلام) محبوب‌ترین افراد نزد رسول خدا (ص) بود. (۱)

رسول خدا (ص) در طول زندگی خود با سخنان و عبارات‌های گوناگونی، حضرت فاطمه (علیها السلام) را تمجید و تکریم کرد؛ از جمله فرمود: «فاطمه (علیها السلام)، سرور زنان اهل بهشت است». (۲) همچنین فرمود: «فاطمه (علیها السلام)، بهترین زنان عالم و سرور زنان امت و زنان اهل بهشت است».

روشن‌ترین و صریح‌ترین فرمایش پیامبر (ص) درباره حضرت فاطمه (علیها السلام) این جملات است که فرمود:

فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي. (۳)

فاطمه پاره تن من است، هر کس او را خشمگین کند، مرا خشمگین کرده است

یا فرمود:

إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا. (۴)

فاطمه پاره تن من است، می‌آزارد مرا هرچه او را بیازارد.

همچنین فرمود:

۱- المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۵.

۲- معرفه الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۹۰.

۳- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۰؛ المصنف، ج ۷، ص ۵۲۶؛ الآحاد والمثانی، ابن ابی عاصم، ج ۵، ص ۳۶۱؛ السنن الکبری، نسائی، ج ۵، ص ۹۷؛ المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۴۰۴.

۴- صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۱؛ سنن ترمذی، ج ۲، ص ۳۱۹.

ص: ۴۰

فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُرِيئِي مَا أَرَابَهَا وَيُؤْذِنِي مَا آذَاهَا.

فاطمه پاره تن من است، آشفته می‌کند مرا هرچه او را آشفته کند و می‌آزارد مرا هرچه او را بیازارد.

یا فرمود:

« وَ يُنْصِبُنِي مَا أَنْصَبَهَا » (۱)؛ «و آنچه او را به زحمت اندازد مرا به مشقت انداخته است».

رسول خدا (ص) به خود حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِعْضَبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ. (۲)

خداوند از خشم تو به خشم می‌آید و از خشنودی تو خشنود می‌شود.

نیز فرمود:

فاطمه شاخه‌ای از من است؛ آنچه شاخه را بیازارد مرا آزرده است و آنچه شاخه را خوشحال کند، مرا شادمان کرده است. خداوند

از خشم فاطمه (علیها السلام) به خشم می‌آید و از خشنودی او خشنود می‌شود. (۳)

تعبیری همچون

« سيدة نساء العالمين » (۴)

« خیر نساء »

۱- مسند، احمد بن حنبل، ج ۴، صص ۵ و ۳۲۸؛ سنن ترمذی، ج ۲، ص ۳۱۹؛ حلیة الاولیاء، ابونعیم، ج ۲، ص ۴۰.

۲- مسند، ابویعلی، ج ۱، ص ۱۹۰؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۳؛ معرفة الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۹۰؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۱۰، ص ۲۰۲.

۳- المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۴.

۴- مسند، طیالسی، ص ۱۹۷؛ السنن الکبری، نسائی، ج ۴، ص ۲۵۲؛ الذریة الطاهرة النبویه، دولابی، ص ۱۴۳؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۶.

ص: ۴۱

العالمین» (۱) ،

« افضل نساء العالمین» (۲) و

« افضل نساء اهل الجنة» (۳) ، از تعابیر رایجی است که رسول خدا (ص) درباره حضرت فاطمه (علیها السلام) به کار برده است. براساس برخی روایات، در روز قیامت به مردم دستور داده می‌شود که چشمان خود را ببندند تا آن حضرت در عرصه قیامت عبور کند و او درحالی که دو چادر سبز در بر دارد از قیامت عبور می‌کند. (۴)

بر پایه روایتی دیگر، رسول خدا (ص) فرمود: «فاطمه (علیها السلام) خود را پاک نگه داشت. پس خداوند او و ذریه‌اش را بر آتش حرام کرد». (۵)

در گزارشی که در برخی منابع اهل سنت نیز آمده است، رسول خدا (ص) فرمود:

هنگامی که به معراج رفتم، دیدم بر در بهشت نوشته شده بود:

« لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ حَبِيبُ اللَّهِ، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ، فَاطِمَةُ خَيْرَةُ اللَّهِ، عَلِيٌّ

۱- الآحاد و المثانی، ابن ابی عاصم، ج ۵، ص ۳۶۴؛ صحیح، ابن حبان، ج ۱۵، ص ۴۰۲؛ المعجم الکبیر، ج ۱۵، ص ۴۰۲.

۲- المستدرک، ج ۲، ص ۵۹۵؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۰.

۳- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۰.

۴- المستدرک، ج ۳، ص ۱۶۱؛ معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۳۱۹۱؛ ر. ک: تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۱۴۱.

۵- معجم الکبیر، طبرانی، ج ۳، ص ۴۲ و ج ۲۲، ص ۴۰۷؛ فضائل سیده النساء، ابن شاهین، ص ۲۲؛ معرفة الصحابة، ج ۶، ص ۳۱۹۰.

ص: ۴۲

بَاغِضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ» (۱)؛ «خدایی جز خدای یگانه نیست. محمد رسول خداست. علی دوست خداست. حسن و حسین برگزیده خدایند. و فاطمه انتخاب شده خداست. لعنت خدا بر کینه‌ورزان آنان باد».

همچنین به آن حضرت فرمود: «ای فاطمه! خداوند تو و فرزندان را عذاب نخواهد کرد». (۲) چنان‌که براساس خبری دیگر از رسول خدا (ص)، نخستین کسی که وارد بهشت می‌شود، حضرت فاطمه (علیها السلام) است. (۳)

همچنین رسول خدا (ص) درباره آن حضرت فرمود:

إِنِّي فَاطِمَةُ حَوْرَاءِ آدَمِيَّةٍ لَمْ تَحْضُ وَلَمْ تَطْمُثْ وَأَنَا سَمَاهَا فَاطِمَةٌ لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَ مُحِبِّهَا عَنِ النَّارِ. (۴)

دخترم فاطمه حوریه‌ای است که به شکل انسان درآمده است. حائض نمی‌شود و عادت زنانگی ندارد و فاطمه نامیده شده است؛ چون خداوند او و دوستدارانش را از آتش دوزخ دور می‌دارد.

و نیز فرمود:

إِنَّ فَاطِمَةَ حَوْرَاءِ إِنْسِيَّةٍ كُلَّمَا اشْتَقَّتْ إِلَى الْجَنَّةِ قَبَّلْتُهَا. (۵)

۱- تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۷۴.

۲- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۰۲.

۳- میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۱۸.

۴- تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۳۱؛ امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۱۹۶.

۵- تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۸۷.



ص: ۴۳

فاطمه حوریه‌ای به شکل انسان است. هر گاه اشتیاق به بهشت پیدا می‌کنم، فاطمه را می‌بوسم. از عایشه نقل شده است که کسی را از نظر نوع سخن و گفتار، شبیه‌تر از فاطمه (علیها السلام) به رسول خدا (ص) ندیدم. (۱) هر گاه فاطمه (علیها السلام) نزد آن حضرت می‌آمد، ایشان مقابلش برمی‌خاست و او را می‌بوسید و به او خوش آمد می‌گفت؛ چنان که او نیز با پدرش چنین می‌کرد. (۲)

درباره شدت علاقه پیامبر (ص) به فاطمه (علیها السلام) گفته‌اند:

آن حضرت چون از نبرد یا سفری باز می‌گشت، ابتدا به مسجد می‌رفت و دو رکعت نماز می‌خواند و سپس نزد حضرت فاطمه (علیها السلام) می‌آمد و پس از آن نزد همسرانش می‌رفت. (۳)

البته این علاقه، دوطرفه بود و حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز به رسول خدا (ص) علاقه بسیاری داشت. از این رو هنگام رحلت رسول خدا (ص) بسیار اندوهگین بود و می‌گریست و تنها یک خبر، ایشان را آرام کرد و خندید؛ رسول خدا (ص) به ایشان فرمود: «نخستین کسی که به من ملحق می‌شود تو هستی». (۴) با این حال،

۱- صحیح، ابن حبان، ج ۱۵، ص ۴۰۳؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۵۴.

۲- سنن، ترمذی، ج ۵، ص ۳۶۱؛ فضائل الصحابه، ص ۷۸؛ المستدرک، ج ۴، ص ۲۷۱؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۰.

۳- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۴۹.

۴- معرفه الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۸۹؛ سیر اعلام النبلاء، ذهبی، ج ۲، ص ۱۱۹.

ص: ۴۴

رحلت آن حضرت چنان برای حضرت فاطمه (علیها السلام) گران بود که نقل کرده‌اند هرگز دیده نشد حضرت فاطمه (علیها السلام) پس از رحلت رسول خدا (ص) بخندد. (۱)

### ج) حضرت فاطمه (علیها السلام) از نگاه امیرمؤمنان علی (ع)

یکی از کسانی که می‌تواند به خوبی درباره کسی دیگر اظهار نظر کند، همسر انسان است. همسری که پس از سال‌ها زندگی مشترک، اعتقادات، گفتار و کردار همسرش را دیده است و از آنها آگاهی دارد، اگر دچار حب و بغض نشود یا تحت تأثیر احساساتی غیر واقعی قرار نگیرد، بهترین کسی است که می‌تواند درباره همسرش قضاوتی درست و واقعی داشته باشد. امیرمؤمنان علی (ع) افزون بر تمام برتری‌های اخلاقی، مقام عصمت نیز دارد. از این رو هیچ‌گاه بر اساس هوای نفس یا احساس و عواطف افراطی رفتار نمی‌کند و سخن نمی‌گوید.

امیرمؤمنان (ع)، به گونه‌ای اعجاب‌انگیز از ویژگی‌های همسرش سخن گفته است که نشان‌دهنده آن است که حضرت فاطمه (علیها السلام) در نگاه امیرمؤمنان (ع)، جایگاهی بسیار والا داشته که با تعابیر مختلفی وی را ستوده است؛ مثلاً آن حضرت می‌فرماید: «همواره به او

ص: ۴۵

(حضرت فاطمه (علیها السلام)) نگاه می‌کردم و با نگاه به او غم و اندوه از وجودم دور می‌شد». (۱)

مشهور است که هیچ‌گاه آن حضرت امیرمؤمنان علی (ع) را به خشم نیاورد. آنچه برخی منابع بدان اشاره کرده‌اند که در ماجرای امام از دست ایشان خشمگین شد و سر را روی خاک گذاشت و رسول‌خدا (ص) ایشان را دید و با کنیه «ابوتراب» ایشان را خطاب قرار داد (۲)، کاملاً ساختگی است؛ زیرا درباره خوانده‌شدن ایشان به ابوتراب گزارش‌های بسیاری وجود دارد که هیچ‌یک با این خیر هماهنگی ندارند.

درست به همین سبب بود که امیرمؤمنان (ع) پس از شهادت ایشان، به شدت گریست و هنگام به خاک سپردن همسرش، نجوایی بسیار غم‌انگیز با رسول‌خدا (ص) داشت. (۳) همچنین درباره شهادت ایشان شعری سرود که در آن دشواری جدایی از آن حضرت به خوبی بازگو شده است. (۴)

۱- المناقب، خوارزمی، ص ۳۵۳.

۲- ر. ک: انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳- نهج البلاغه، کلام ۲۰۲؛ شرح نهج البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۰، ص ۲۶۵.

۴- مضمون این شعر این است که دو دوست به ناچار از یکدیگر جدا می‌شوند و جدایی دو دوست نشان‌دهنده آن است که این دوستی‌ها دوام نمی‌یابد. ر. ک: الثقات، ابن‌حبان، ج ۹، ص ۲۳۴؛ الکشف و البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۵۹.



## ازدواج حضرت فاطمه (علیها السلام)

### الف) مقدمات ازدواج

ازدواج حضرت فاطمه (علیها السلام)، همانند سایر دوره‌های زندگی آن حضرت، دارای اسرار فراوان است. بسیاری از بزرگان و ثروتمندان قریش و غیر قریش از آن بانوی بزرگوار خواستگاری کردند، اما پاسخ منفی شنیدند. رسول خدا (ص) در پاسخ منفی به خواستگاران، چنان روی برمی گرداند که آنان گمان می کردند که آن حضرت از آنان خشمگین است یا قرار است در این باره وحی بر ایشان نازل شود تا آنجا که ابوبکر و عمر نیز از ایشان خواستگاری کردند؛ اما با مخالفت رسول خدا (ص) روبه‌رو شدند و آن حضرت فرمود: «منتظر قضای الهی هستم». (۱)

---

۱- ر. ک: الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶؛ المناقب، خوارزمی، ص ۳۴۳.

ص: ۴۸

بنابر نقلی وقتی خواستگاران در این باره به رسول خدا (ص) اعتراض کردند، آن حضرت فرمود: «به خدا قسم! من مانع شما نیستم، بلکه خداوند مانع است». (۱)

در گزارشی دیگر آمده است که گروهی از مهاجران، از حضرت فاطمه (علیها السلام) خواستگاری کردند، اما رسول خدا (ص) پاسخ مثبت نداد. از این رو آنان پس از ازدواج آن حضرت با امیرمؤمنان (ع) در این باره سخنانی گفتند و رسول خدا (ص) در پاسخ آنان فرمود: «من ایشان را به ازدواج علی (ع) در نیاوردم، بلکه خداوند وی را به ازدواج ایشان در آورد». (۲) یا فرمود: «خداوند به من امر کرده است که فاطمه را به ازدواج علی در آورم». (۳)

آری! گویی آن ذخیره الهی برای ذخیره‌ای الهی است. آری! فاطمه (علیها السلام) برای علی (ع) ذخیره شده است و تنها علی (ع) است که می‌تواند همتای فاطمه (علیها السلام) باشد؛ همچنان که تنها فاطمه (علیها السلام) است که می‌تواند هم‌تا و همراز علی (ع) باشد.

۱- عیون اخبار الرضا ع، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۲۰۳؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۳، ص ۹۳.

۲- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۱.

۳- المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۵۶؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۷، ص ۱۳.

ص: ۴۹

به هر حال پس از آنکه ابوبکر، عمر، عثمان، عبدالرحمان بن عوف و دیگران با پاسخ منفی رسول خدا (ص) مواجه شدند، امیرمؤمنان (ع)، تنها مرد شایسته همسری حضرت فاطمه (علیها السلام)، پیشنهاد ازدواج با آن حضرت را مطرح کرد که رسول خدا (ص) با تعبیر

«هی لک یا علی»<sup>(۱)</sup>؛ «او برای توست» بی‌درنگ پاسخ مثبت داد و گویی آن حضرت انتظار چنین درخواستی را از سوی امیرمؤمنان (ع) داشت. اما چون براساس مقررات خواستگاری و ازدواج باید نظر خود حضرت فاطمه (علیها السلام) را نیز جویا شد، از این رو رسول خدا (ص) پیشنهاد امیرمؤمنان را به اطلاع حضرت فاطمه (علیها السلام) رساند و نظر ایشان را در این باره جویا شد. حضرت فاطمه (علیها السلام) سکوت کرد و سکوت آن حضرت نشانه رضایت ایشان بود.<sup>(۲)</sup>

براساس برخی روایات تاریخی، پس از آنکه رسول خدا (ص) موافقت خود را با این ازدواج، اعلام کرد، تعدادی از صحابه را دعوت کرد و خود ایشان خطبه عقد را خواند. این خطبه با حمد و سپاس خداوند آغاز شده است و پس از بیان شماری از

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶؛ المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۳۴.

۲- ر. ک: الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۶.

ص: ۵۰

الطاف خداوند، به نعمت ازدواج و فواید آن اشاره دارد. رسول خدا (ص) پس از خواندن خطبه، دعوت شدگان را برای این عقد شاهد گرفت. (۱)

رسول خدا (ص) پس از ازدواج ایشان به او فرمود: «من تو را به ازدواج کسی در آوردم که در دنیا و آخرت سرور است». (۲)  
از گزارش‌های تاریخی برمی آید که عقد و عروسی حضرت فاطمه (علیها السلام)، با فاصله بوده است. پاره‌ای از منابع، این فاصله را ۲۹ روز (۳) و برخی دیگر یک ماه (۴) دانسته‌اند.

درباره زمان این ازدواج (چه به معنای عقد و چه به معنای عروسی) در منابع تاریخی نظر یکسانی وجود ندارد. بیشتر منابع بر آنند که این ازدواج پس از بازگشت مسلمانان از غزوه بدر [در سال دوم هجرت] و پیش از غزوه احد صورت گرفته است. اما برخی منابع، زمان آن را پس از غزوه احد [در سال سوم هجرت] آورده‌اند. بنابر نقلی این ازدواج، یک سال

۱- المناقب، ص ۳۳۶؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۲، ص ۴۴۴؛ الفصول المهمه، ابن صباغ، ج ۱، ص ۶۵۴.

۲- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۴۹.

۳- مناقب علی بن ابی طالب ع، ابن مردویه، ص ۱۹۸.

۴- الامالی، طوسی، ص ۴۱؛ المناقب، ص ۳۵۰.



ص: ۵۱

پس از هجرت بوده است. (۱) برخی نیز این ازدواج را در ماه صفر و یازدهمین ماه هجرت دانسته‌اند. (۲) همچنین گفته‌اند پس از بازگشت رسول خدا (ص) از بدر، دخترش رقیه از دنیا رفت و شانزده روز پس از آن فاطمه (علیها السلام) به ازدواج امیرمؤمنان (ع) درآمد. (۳)

اختلاف مهم‌تر در اینجا درباره سن آن حضرت به هنگام ازدواج است که این اختلاف از اختلاف در زمان تولد ایشان نشئت گرفته است. بر این اساس، بیشتر منابع اهل سنت سن ایشان را به هنگام ازدواج، حدود ۱۸ تا ۲۱ سال آورده‌اند. در حالی که بیشتر منابع شیعه، سن آن حضرت را حدود نه سال دانسته‌اند.

### ب) مهریه حضرت فاطمه (علیها السلام)

از مطالب عبرت‌آموز زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) نوع و مقدار مهریه آن حضرت است. بنابر نقل‌های تاریخی، امیرمؤمنان (ع) سپر یا زرهی داشت که آن را به دوازده اوقیه نقره (معادل ۴۰۰ درهم) فروخت و همان را مهریه حضرت فاطمه (علیها السلام) قرار داد. (۴) بر اساس

۱- المعارف، ابن‌قتیبه، ص ۱۴۲.

۲- امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۷۳.

۳- المعارف، ص ۱۵۸.

۴- مسند، ابویعلی موصلی، ج ۱، ص ۳۶۲؛ دلائل النبوه، ج ۳، ص ۱۶۰.

ص: ۵۲

نقلی، چون امیرمؤمنان (ع) پولی نداشت، زره خود را مهریه حضرت زهرا (علیها السلام) قرار داد. (۱) بنا بر نقلی دیگر، ایشان زره و برخی کالاهای دیگر، مانند شترش را به ۴۰۰ درهم فروخت و مهریه قرار داد. (۲)

نکته درخور توجه اینکه ممکن است تصور شود این مهریه در زمان رسول خدا (ص) کاملاً عادی و مطابق عرف آن زمان بوده است، درحالی که از برخی گزارش‌های تاریخی چنین برمی‌آید که این مهریه حتی در آن زمان نیز اندک بوده است. (۳)

نکته دیگر آنکه چون در زمان‌های سابق، مهریه در همان ابتدای ازدواج به همسر پرداخت می‌شد، مهریه حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز پیش از عروسی از سوی امیرمؤمنان (ع) پرداخت شد که با همان پول لوازم جهیزیه را خریداری کردند.

### ج) جهیزیه حضرت فاطمه (علیها السلام)

باید در تهیه جهیزیه به سه نکته توجه داشت: اول، نیازهای یک زندگی نوپا؛ دوم، توانایی اقتصادی

۱- تهذیب الکمال، مزی، ج ۳۵، ص ۲۴۹.

۲- سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۳۸.

۳- تنقیح التحقيق، ذهبی، ج ۲، ص ۱۸۴.

ص: ۵۳

خانواده و سوم که بسیار مهم است پیروی از روش زندگی اهل بیت (علیهم السلام) .

اهل بیت (علیهم السلام) در این امور، همیشه سطح عادی زندگی اجتماعی مردم را در نظر می گرفتند و تلاش می کردند تا سطح زندگی خود را در مرتبه‌ای پایین قرار دهند. آنان حتی اگر می توانستند زندگی مرفه و خوبی داشته باشند، هیچ گاه اسیر اسراف، چشم و هم چشمی، تجمل گرایی و اشرافی گری نمی شدند و این همان گمشده جامعه امروز ماست که در صورت توجه به آن، بسیاری از مشکلات، حل خواهد شد.

نمونه بارز زندگانی اهل بیت (علیهم السلام) ، زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) و جهیزیه آن حضرت است. صورت این جهیزیه در منابع موجود، متفاوت نقل شده، اما بنابر قول مشهور و براساس برخی از منابع چنین بوده است:

- یک پیراهن؛

- یک خمار (مقنعه) ؛

- پارچه‌ای سیاه از منطقه خیبر؛

- تختی بافته شده از پوست خرما؛

- دو عدد تشک که یکی از پشم و دیگری از لیف خرما پر شده بود؛

ص: ۵۴

- چهار بالش که از اذخر (نوعی گیاه) پر شده بود؛
  - پرده‌ای دوخته شده از پشم؛
  - حصیری هجری (هجر نام روستایی نزدیک مدینه است که ساکنان آن به بافت حصیر اشتغال داشتند)؛
  - دستاس (آسیای دستی)؛
  - مشکی از چرم؛
  - یک ظرف مسی؛
  - ظرفی برای شیر؛
  - ظرفی برای آب خوردن؛
  - طشت لباسشویی؛
  - پرده‌ای سبز رنگ؛
  - دو کوزه سفالی؛
  - پوستی از چرم؛
  - الک برای غربال؛
  - ظرفی برای طهارت (آفتابه)؛
  - دلوی از چرم. (۱)
- پس از تصمیم حضرت فاطمه (علیها السلام) برای ازدواج،

---

۱- برای اطلاع از این جهیزیه و اختلاف در مقدار آن، ر. ک: الطبقات الکبری، ج ۸، صص ۱۹ و ۲۰؛ مسند، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۰۸؛ الامالی، طوسی، ص ۴۱؛ اعیان الشیعه، امین، ج ۱، ص ۳۷۹.

ص: ۵۵

رسول خدا (ص) به امیرمؤمنان (ع) فرمود: «منزلی برای خود تهیه کن». ایشان منزلی یافت که کمی عقب‌تر از منزل رسول خدا (ص) قرار داشت و در همان‌جا با حضرت فاطمه (علیها السلام) عروسی کرد. پس از آن، رسول خدا (ص) نزد حضرت فاطمه (علیها السلام) آمد و فرمود: «می‌خواهم منزل تو را نزدیک خودم بیاورم». حضرت فاطمه (علیها السلام) عرض کرد: «با «حارثه بن نعمان» صحبت کنید تا منزلش را به ما بدهد». فرمود: «حارثه چند بار برای ما جابه‌جا شده است و از او شرم می‌کنم». چون این خبر به حارثه رسید، خانه‌اش را تخلیه کرد و خدمت رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! به من خبر رسیده که می‌خواهی حضرت فاطمه (علیها السلام) را نزد خود بیاوری. خانه‌های من از نزدیک‌ترین خانه‌های «بنونجار» به شمایند و من و دارایی‌ام از آن خدا و رسول اوست. به خدا سوگند! ای رسول خدا! مالی که تو از من بگیری، برایم دوست داشتنی‌تر است از آنچه نمی‌گیری. آن حضرت فرمود: «راست می‌گویی. خداوند به تو برکت دهد». سپس رسول خدا (ص) حضرت فاطمه (علیها السلام) را به منزل حارثه منتقل کرد. (۱)

**د) فرزندان حضرت فاطمه (علیها السلام)**

در منابع شیعه درباره نام و تعداد فرزندان حضرت فاطمه (علیها السلام) اختلاف چندانی وجود ندارد. ولی در منابع اهل سنت، این اختلاف بیشتر دیده می‌شود.

به نظر تعدادی از منابع اهل سنت، حضرت فاطمه (علیها السلام)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، حضرت زینب (علیها السلام)، ام کلثوم و محسن را به دنیا آورد. (۱) در حالی که برخی از منابع اهل سنت گزارش کرده‌اند که آن حضرت، به وزن موی امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، زینب (علیها السلام) و ام کلثوم (علیها السلام) به فضا صدقه داد. (۲) اما از حضور پسر دیگر ایشان سخن نگفته‌اند.

همچنین در برخی منابع دیگر آمده است که حضرت فاطمه (علیها السلام) برای امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) هر کدام، یک گوسفند عقیقه کرد و این به جز عقیقه رسول خدا (ص) برای آن دو بود. (۳) در حالی که از عقیقه برای محسن سخنی در میان نیست. چنان‌که نام محسن در بیشتر منابع، یا در شمار فرزندان آن

۱- المعارف، ص ۱۴۳؛ الذریة الطاهرة النبویه، ص ۱۵۷؛ کتاب الثقات، ج ۲، ص ۳۰۴؛ السنن الکبری، ج ۸، ص ۲۸۳.

۲- الموطاء، مالک، ج ۲، ص ۵۰۱.

۳- المحلی، ابن حزم، ج ۷، ص ۵۳۱.

ص: ۵۷

حضرت نیست یا او را همان پسری دانسته‌اند که به دنیا نیامد و سقط شد.

پس می‌توان نتیجه گرفت که محسن به دنیا نیامده است. البته ممکن است آنها بدین وسیله و با این استدلال که اگر به دنیا آمده بود برای ایشان نیز صدقه می‌دادند، بخواهند اصل وجود محسن را منکر شوند، اما اولاً تنها صدقه‌دادن، دلالت بر تولد نمی‌کند؛ ثانیاً بحث درباره تولد یافتن نیست، بلکه بحث درباره اصل وجود پسری است که سقط شده و نامش محسن بوده است. از این رو، این مطلب نیز درست نیست که برخی منابع اهل سنت گفته‌اند محسن در کودکی از دنیا رفت. (۱)

به نظر می‌رسد این اختلاف، بیشتر درباره وجود داشتن سومین پسر برای آن حضرت است که بیشتر علمای شیعی بر این باورند که آن حضرت پسری به نام محسن داشته است که به هنگام هجوم به خانه ایشان برای گرفتن بیعت برای ابوبکر یا پس از این زمان در اثر مشکلاتی که برای ایشان به وجود آوردند، سقط شده و زنده به دنیا نیامده است. البته علمای اهل سنت، دیدگاه‌های دیگری دارند که بیان شد.

---

۱- الذریة الطاهرة النبویه، ص ۱۵۷.





### حضرت فاطمه (علیها السلام) در عرصه سیاست و اجتماع

حضرت فاطمه (علیها السلام) بهترین الگویی است که افزون بر ابعاد فردی و عبادی، در عرصه سیاست و اجتماع نیز درس‌های بسیاری به بشر داده است. در نگاه اول و با شناخت محدودی که از آن حضرت داریم، ممکن است تصور شود آن حضرت تمام عمر را در خانه بوده و تنها به عبادت و رسیدگی به امور خانه پرداخته است؛ به‌ویژه وقتی می‌شنویم آن حضرت بهترین حالت را برای زنان، حالتی معرفی کرده است که «هیچ مردی را نبینند و نیز هیچ مردی آنان را نبیند»<sup>(۱)</sup> و بر پایه همین روایت، برخی پنداشته‌اند که نباید زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی

---

۱- سؤالات حمزه بن یوسف، دارقطنی، ص ۲۸۰؛ الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، ج ۲۰، ص ۱۲۲؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۵۵.

ص: ۶۰

حضور یابند.

اما با مراجعه به سیره حضرت فاطمه (علیها السلام) درمی‌یابیم که آن بانوی نمونه هنگام نیاز، با رعایت همان اصلی که خود بیان فرمود، نه تنها در امور سیاسی دخالت کرده، بلکه در موضوعی چون خلافت، که بدان اشاره خواهد شد، چنان میدان‌دار سیاست بوده که بسیاری از سیاست‌مداران را مبهوت کرده است.

آری! حضرت فاطمه (علیها السلام) در خردسالی یا نوجوانی در کنار پدر بزرگوارش حضور داشت و ضمن همدردی و یاری ایشان به هنگام اهانت‌های مشرکان، با حضور در شعب ابوطالب، نخستین عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را تجربه کرد.

هجرت به یثرب، با تمام خطراتی که برای ایشان داشت، صحنه سیاسی دیگری بود که آن حضرت پشت سر گذاشت. در سال سوم هجرت، غزوه احد، نخستین معرکه جنگی بود که حضرت فاطمه (علیها السلام) در آن نقش فعالی داشت. در این نبرد، ابتدا مسلمانان پیروز شدند. اما تعدادی از مسلمانان که از سوی رسول خدا (ص) مأمور حفاظت از تنگه‌ای بودند که راه نفوذ به سمت سپاه اسلام به شمار می‌آمد، به طمع جمع‌آوری غنیمت،

ص: ۶۱

محل مأوریت خود را ترک کردند و مشرکان از این غفلت مسلمانان بهره بردند و با غافلگیر کردن آنان، جنگ را به نفع خود تمام کردند.

در این میان، رسول خدا (ص) که در معرکه جنگ حضور داشت، جراحات‌های بسیاری برداشت و دندان مبارکش شکست. از این رو امیرمؤمنان (ع)، آن حضرت را در شکاف کوه احد برد و به شست‌وشوی جراحات‌ها و مداوای آن حضرت پرداخت. حضرت زهرا (علیها السلام) نیز در آنجا حاضر بود و به امیرمؤمنان (ع) کمک کرد. گفته‌اند هنگامی که حضرت فاطمه (علیها السلام) مشغول شست‌وشوی جراحات‌های رسول خدا (ص) بود، متوجه شد که شستن با آب، خونریزی حضرت را بیشتر می‌کند؛ از این رو تکه حصیری را سوزاند و آن را روی جراحات گذاشت تا خون بند آمد. (۱)

حضرت فاطمه (علیها السلام) تسبیحی از پشم ریسیده و تابیده داشت و با آن تسبیح می‌گفت تا آنکه پس از شهادت حضرت حمزه (ع)، از خاک او تسبیح ساخت و مردم نیز چنین کردند. این حرکت می‌تواند جنبه سیاسی اجتماعی داشته باشد؛ زیرا این کار تا زمان

۱- المغازی، واقدی، ج ۱، صص ۲۴۹ و ۲۵۰؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۷؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۳۸.

ص: ۶۲

شهادت امام حسین (ع) ادامه داشت تا آنکه به سبب فضیلت و ارزش خاک مرقد آن حضرت، از تربت ایشان تسبیح ساخته شد. (۱) پس از شهادت حضرت حمزه (ع) نیز حضرت فاطمه (علیها السلام) دو یا سه روز یکبار به زیارت قبور شهدای احد می‌رفت و بر آنان می‌گریست و برایشان دعا می‌کرد. (۲) بنا بر نقلی دیگر آن حضرت، هر جمعه به زیارت حضرت حمزه (ع) می‌رفت. (۳) این حرکت نیز افزون بر جنبه عاطفی و عبادی آن، حرکتی سیاسی - اجتماعی تلقی می‌شود.

---

۱- المزار، مفید، ص ۱۵۰؛ مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۲۸۱.

۲- المغازی، ص ۳۱۳.

۳- المصنف، عبدالرزاق، ج ۳، ص ۵۷۲؛ التمهید، ابن‌عبدالبر، ج ۳، ص ۲۳۴.

ص: ۶۳

## جلوه‌هایی از شخصیت حضرت فاطمه (علیها السلام)

### اشاره

حضرت فاطمه (علیها السلام) به سبب داشتن برتری‌های اخلاقی بسیاری، دارای جایگاه بلندی است که رسیدن به آن برای دیگران میسر نیست. اما با الگو گرفتن از زندگی آن حضرت، می‌توان به بسیاری از درجات کمال انسانی دست یافت و راه سعادت را به خوبی پیمود. بررسی تمام فضایل ایشان، مجال دیگری می‌طلبد، اما برای نمونه برخی از مهم‌ترین فضایل ایشان به اختصار بیان می‌شود.

### الف) قناعت

از ویژگی‌های برجسته اخلاقی دختر رسول خدا (ص) قناعت است. این کیمیای با ارزش که گمشده عصر حاضر است، چنان در زندگی حضرت فاطمه (علیها السلام) موج

ص: ۶۴

می‌زد که باور کردن آن دشوار می‌نماید و جز در خاندان نبوت نمی‌توان از آن سراغ گرفت. برای نمونه در روایتی از امیرمؤمنان (ع) نقل شده است که فرمود:

هنگامی که با فاطمه (علیها السلام) ازدواج کردم، فرش ما چیزی نبود جز یک پوست گوسفند که روزها بر روی آن به شتر آبکش خود علف می‌دادیم و شب‌ها روی آن می‌خوابیدیم. درحالی که جز آن شتر خدمتکاری نداشتیم. (۱)

ممکن است تصور شود این وضعیت مربوط به ابتدای زندگی مشترک آن دو بزرگوار است. اما براساس خبری دیگر، این وضعیت تا اواخر زندگی ایشان و دست کم تا سال هفتم و هشتم هجرت به همین گونه بود.

در این خبر آمده است که روزی رسول خدا (ص) همراه با یکی از اصحاب به نام «عمران بن حصین خزاعی» به دیدار حضرت فاطمه (علیها السلام) رفتند و وضعیت آن حضرت به گونه‌ای بود که چادر یا جامه‌ای کافی برای پوشاندن سرشان مقابل عمران بن حصین خزاعی نداشت تا آنکه رسول خدا (ص) جامه‌ای به او می‌دهد تا با آن سر خود را بپوشاند و پس از آنکه رسول خدا (ص)

ص: ۶۵

از حال ایشان جويا می‌شوند، می‌فرماید که طعامی برای خوردن در خانه نیست. (۱)

با توجه به اینکه مسلمان شدن عمران بن حصین در سال غزوه خیبر (۲)، یعنی سال هفتم بود (۳)، باید این ماجرا پس از خیبر رخ داده باشد و این بدان معناست که حتی در سال‌هایی که برای مسلمانان به سبب بهره‌مندی از غنایم جنگی، گشایش اقتصادی به وجود آمد، دختر رسول خدا (ص) هنوز وضع اقتصادی خوبی نداشت.

آن حضرت نه تنها در خوراک و پوشاک قناعت می‌کرد، بلکه در امور دیگر زندگی نیز به حداقل اکتفا می‌کرد؛ به طوری که گفته‌اند ایشان با دست خود دستاس می‌کرد و آرد فراهم می‌آورد و نان می‌پخت. بنا بر نقلی آن حضرت چندان دستاس کرده بود که دستاس روی دستش اثر گذاشته و دستش ورم کرده بود. (۴)

از امیرمؤمنان نقل شده است که حضرت فاطمه (علیها السلام) چندان با دستانش دستاس را چرخانده بود که بر

- 
- ۱- حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۴۲؛ مقتل الحسین، خوارزمی، ص ۱۲۳؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۱۳۴.
  - ۲- الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۸۴؛ الاصابه، ابن حجر، ج ۴، ص ۵۸۴.
  - ۳- المغازی، ج ۲، ص ۶۳۴؛ السیره النبویه، ج ۳، ص ۳۴۲.
  - ۴- حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۴۱.

ص: ۶۶

دستانش اثر گذاشته بود و آنقدر با مشک آب آورده بود که جای آن بر سینه‌اش باقی مانده بود و چنان به نظافت خانه رسیدگی کرده بود که غبار بر لباس‌هایش نشسته بود و چندان آتش زیر دیگ گذاشته بود که آثار آن بر لباس‌هایش مانده و ایشان را آزار داده بود. از این رو چون اسیران و خادمانی برای رسول خدا (ص) آورده بودند، به او گفتیم: «نزد رسول خدا (ص) برو و از ایشان یک خادم بخواه تا تو را از این رنج‌ها نکه دارد».

ایشان رفت، اما درخواست خود را مطرح نکرد و بازگشت. سپس رسول خدا (ص) به دیدار ما آمد و از حال حضرت فاطمه (ص) پرسش کرد و من گفتم که او چه قصدی داشته است.

سپس رسول خدا (ص) فرمود:

می‌خواهی تو را به چیزی راهنمایی کنم که از خادم بهتر باشد؟ چون به رختخواب رفتی ۳۳ بار سبحان‌الله، ۳۳ بار الحمدلله و ۳۴ بار الله‌اکبر بگو.

سپس حضرت فاطمه (علیها السلام) دو مرتبه فرمود: «از خدا و رسولش راضی شدم». (۱).

۱- مسند، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۵۳؛ کتاب الدعاء، طبرانی، ص ۹۵؛ معرفه الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۹۳.



ص: ۶۷

ب) حیا و حجاب

از بارزترین ویژگی‌های اخلاقی حضرت فاطمه (علیها السلام) حیا و حجاب بی‌مانند ایشان است. در برخی منابع، نمونه‌هایی از حیای ایشان نقل شده است که جز در وجود ایشان یافت نمی‌شود. حفظ پوشش مقابل نامحرمی نابینا، در زمانی که پوشش برابر نامحرمان بینا و گشاده‌چشم، چندان رنگی نداشت و واقعیتی مسخ‌شده بود، اعجازی است که ویژگی وجود مقدسی چون فاطمه زهراست؛ چنان‌که گفته‌اند روزی مردی نابینا اجازه خواست و وارد منزل امیرمؤمنان (ع) شد. در این هنگام حضرت فاطمه (علیها السلام) مقابل این مرد نابینا حجاب گرفت. چون پیامبر (ص) این منظره را دید، به آن حضرت فرمود: «برای چه با حجاب شدی درحالی که او تو را نمی‌بیند؟» پاسخ داد: «او مرا نمی‌بیند، اما من او را می‌بینم و او بو را استشمام می‌کند». در این هنگام رسول‌خدا (ص) فرمود: «گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی» (۱).

براساس این تفکر، زمانی که رسول‌خدا (ص) کار منزل را به دخترش و کار بیرون از خانه را به

۱- النوادر، راوندی، ص ۵۷۱؛ الدر النظیم، ابن حاتم عاملی، ص ۴۵۷.

ص: ۶۸

امیرمؤمنان (ع) سپرد، حضرت فاطمه (علیها السلام) از این تقسیم کار، بسیار خشنود شد و فرمود: «جز خدا نمی‌داند چقدر خوشحال شدم از اینکه رسول خدا (ص) مرا از روبه‌رو شدن با مردان معاف کرد». (۱)

بر این اساس، آن حضرت اگر هم ناچار می‌شد از خانه خارج شود، کمال محافظت را در حجاب داشت. مثلاً هنگامی که آن حضرت برای طلب کردن حقشان به مسجد آمد و آن خطبه تاریخی و مشهور را خواند، به گونه‌ای از منزل خارج شد که اولاً در میان تعدادی از زنان اقوامشان قرار داشت، ثانیاً گفته‌اند روپوش یا عبایی که در برداشت، چنان بلند بود که زیر پای مبارکشان می‌رفت.

رعایت حجاب چنان برای آن حضرت اهمیت داشت که حتی برای پس از مرگ نیز حجاب را لازم می‌دانست. از این روست که یکی از نگرانی‌های مهم آن حضرت، تشییع پیکر ایشان به شکل آشکار بود که با مشورت «اسماء بنت عمیس» این مشکل حل شد و آن حضرت از این موضوع بسیار خرسند شدند. (۲)

۱- قرب الاسناد، حمیری، ص ۵۲؛ وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

۲- این موضوع در کتاب حاضر در بخش مربوط به شهادت آن حضرت با تفصیل بیشتری آمده است.

ص: ۶۹

در باب رعایت حجاب از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «برای زنان شایسته است که مردان آنان را نبینند». (۱) چنان که فرمود: «نزدیک‌ترین حالت نزدیک شدن زن به خدا، آن است که در خانه بماند». (۲)

ج) عبادت

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز حضرت فاطمه (علیها السلام) کثرت عبادت آن حضرت به شکل عام و به‌ویژه توجه بسیار ایشان به نماز بوده است.

در روایتی از امام حسن (ع) نقل شده است که فرمود:

شب جمعه بود که دیدم مادرم به نماز ایستاد و تا طلوع صبح نماز خواند و برای مؤمنان دعا کرد و از آنان نام برد، اما برای خود دعا نکرد. از ایشان پرسیدم: «چطور برای خودتان دعا نمی‌کنید؟» فرمود: «پسرم! ابتدا همسایه سپس خانه». (۳)

اهمیت عبادت حضرت فاطمه (علیها السلام) بیش از آنکه به کمیت توجه ایشان مربوط باشد، به کیفیت توجه

۱- الجامع لاحکام القرآن، ج ۲۰، ص ۱۲۲؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۵۵.

۲- النوادر، ص ۱۱۹؛ البته این خبر از برخی صحابه دیگر از رسول خدا ص نیز فراوان نقل شده است.

۳- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۲.

ص: ۷۰

ایشان در عبادت مربوط است. عبادت ایشان چنان با توجه بود که خداوند متعال بر فرشتگان مباحثات کرد و آنان را گواه گرفت. (۱) چنان که گفته‌اند هرگاه آن حضرت در محراب عبادت می‌ایستاد، نور ایشان برای اهل آسمان‌ها می‌درخشید، همچنان که نور ستارگان برای اهل زمین می‌درخشد. بدین سبب ایشان را زهرا خوانده‌اند. (۲)

---

۱- الامالی، شیخ صدوق، ص ۱۷۶.

۲- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۱؛ دلائل الامامه، ص ۱۴۹.

ص: ۷۱

حضرت فاطمه (علیها السلام) پس از رسول خدا (ص)

الف) حضرت فاطمه و موضوع سقیفه

بدون شک باید رحلت رسول خدا (ص) را غمناک‌ترین و دشوارترین مرحله از تاریخ اسلام به شمار آورد. اما این دشواری و غم را هیچ‌کس به اندازه حضرت فاطمه (علیها السلام) احساس نکرد؛ به‌ویژه آنکه پس از پیامبر (ص) حادثی رخ داد که هیچ‌کس حتی فکر آن را نمی‌کرد. حادث ناگواری که تحمل آن برای هرکس دشوار بود و برای حضرت فاطمه (علیها السلام) دشوارتر. هنوز پیکر مطهر رسول خدا (ص) بر زمین بود و وظیفه تجهیز و تدفین ایشان، به عهده نزدیکان آن حضرت، به‌ویژه امیر مؤمنان (ع) قرار داشت که عده‌ای از دنیاپرستان انصار و مهاجر، با

ص: ۷۲

زیر پا گذاشتن سفارش‌های رسول خدا (ص)، در سقیفه بنی ساعده گرد آمدند و بر سر کسب قدرت و جانشینی رسول خدا (ص) به نزاع پرداختند و با تأسفی به طول ابدیت باید گفت: شد آنچه نباید می‌شد!

جانشینی رسول خدا (ص) که تنها ولی خدا سزاوار آن بود، از مسیر اصلی خارج و به انحراف کشیده شد و نه تنها به امیرمؤمنان که تنها فرد شایسته و مورد سفارش پیامبر (ص) بود، نرسید که به دست ناهلانی افتاد که آثار سوء آن تا قیامت ادامه دارد.

در این میان حضرت فاطمه (علیها السلام) تنها دختر رسول خدا (ص) از نزدیک شاهد بود که چگونه دستاورد زحمات رسالت پدرش به تاراج می‌رود و از مدعیان دروغین صحابی بودن و مسلمانی، هیچ صدایی به حمایت بر نمی‌خیزد. آری! فاطمه (علیها السلام) می‌دید که چگونه امیرمؤمنان (ع) ناچار است به تنهایی برای حفظ نهال نوپای اسلام، دم فرو بندد و از بازگو کردن واقعیات خودداری کند که مبادا آنچه ممکن است با سکوت او از اسلام باقی بماند نیز از میان برود.

البته فقط خدا می‌داند که در آن زمان، فاطمه (علیها السلام) چه کشید و شاید همین درد و رنج بی‌پایان، در کنار

ص: ۷۳

اهانت‌های روحی و جسمی، دلیلی روشن برای کوتاه‌بودن عمر آن حضرت باشد.

بررسی حوادث تلخ پس از رحلت رسول خدا (ص) به نوشته‌ای مفصل نیاز دارد. از این رو در اینجا به برخی از این حوادث، البته به اختصار، اشاره می‌کنیم:

حادثه سقیفه بنی ساعده

مهم‌ترین حادثه پس از رحلت رسول خدا (ص)، حادثه تلخ سقیفه بنی ساعده بود. این حادثه پیامدهایی داشت که برخی از آنها هیچ‌گاه تا ابد فراموش نخواهد شد. برخی از این پیامدها عبارت‌اند از:

یک - ایجاد حق تشریح برای دیگران

پس از سقیفه، مسلمانانی که خود را مطیع محض رسول خدا (ص) می‌دانستند و حاضر نبودند آب وضوی آن حضرت، بر زمین ریخته شود و به آن تبرک می‌جستند، به خود اجازه دادند برای دیگران نیز حق تشریح قائل شوند و با استفاده از سخن نادرست خلیفه دوم<sup>(۱)</sup>، خود را در کنار رسول خدا (ص) و در

۱- او خود را هم‌ردیف پیامبر ص می‌دانست و می‌گفت: «انا زمیل محمد»؛ «من هم کلاس و هم‌ردیف رسول‌خدایم». این سخن سبب شد مردم به روش او که احکامی را بر خلاف روش رسول خدا ص تشریح می‌کرد، اعتراض نکنند. ر. ک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۲، ص ۱۲۲.

ص: ۷۴

عرض آن حضرت ببینند. این ایجاد حق تشریح، سبب شد برخی احکام از آنچه رسول خدا (ص) فرموده بود، فاصله بگیرد و شکاف عمیقی میان مسلمانان ایجاد کند که هیچ‌گاه جبران نخواهد شد.

دو - بیعت اجباری با خلیفه

در زمان رسول خدا (ص) بیعت مردم با آن حضرت براساس علاقه، محبت و فرمان‌برداری از آن حضرت صورت می‌گرفت. اما پس از سقیفه، با اکراه و اجبار و در برخی موارد با تهدید و استفاده از سلاح، از مردم برای خلیفه اول بیعت گرفتند. آنان حاضر شدند برای گرفتن بیعت از امیرمؤمنان (ع) و مشروعیت بخشیدن به حکومت خلیفه اول، به تنها دختر رسول خدا (ص) اهانت‌ها روا دارند. آنها با این عمل، سنگ بنای نامبارکی نهادند که براساس آن، هرگونه اهانت و حمله به عقاید مخالفان روا پنداشته شد و حتی به قتل‌رساندن پسر دختر پیغمبر [در کربلا] توجیه شرعی یافت؛ به طوری که پس از کربلا نیز برخی عالمان اهل سنت در جواز لعن یزید، قاتل امام حسین (ع)، تردید کردند و به جایز نبودن لعن یزید فتوا دادند. (۱)

۱- احیاء علوم‌الدین، غزالی، ج ۳، ص ۱۰۶؛ همچنین، ر. ک: الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۲۲۱.



ص: ۷۵

ب) غصب فدک

از حوادث مهمی که پس از رحلت رسول خدا (ص) رخ داد و غم و اندوه و مشکلات بسیاری را برای حضرت فاطمه (علیها السلام) فراهم کرد، غصب مزرعه حاصل خیز فدک بود. برای آنکه ابعاد این حرکت ناشایست بهتر دانسته شود، لازم است ماهیت و چگونگی واگذار شدن فدک به رسول خدا (ص) و سپس بخشش آن به حضرت فاطمه (علیها السلام) به اختصار بررسی شود.

فدک، روستایی است در حجاز که تا مدینه دو یا سه روز فاصله دارد (۱) و برخی گفته‌اند تا خیبر دو روز فاصله دارد. (۲) بنا بر قول مشهور، در سال هفتم هجرت، یهودیان خیبر در صدد برآمدن با رسول خدا (ص) و مسلمانان مقابله کنند. از این رو، آن حضرت همراه با سپاهی برای سرکوب آنان به منطقه خیبر رفتند. یهودیان در قلعه‌های مستحکم خود سنگر گرفته بودند و هیچ راهی برای نفوذ به داخل قلعه‌ها وجود نداشت. اما سرانجام با رشادت و شجاعت امیرمؤمنان (ع) قلعه‌های آنان فتح شد و آنان خود را تسلیم کردند. به

۱- معجم البلدان، یاقوت حموی، ج ۴، ص ۲۳۸.

۲- معجم ما استعجم، بکری، ج ۳، ص ۱۰۱۵.

ص: ۷۶

گزارش «یاقوت حموی» هنگامی که رسول خدا (ص) به خیبر رسید و قلعه‌های آنجا را گشود، یک سوم قلعه‌ها باقی مانده بود تا فتح شود که یهودیان با فرستادن نامه از آن حضرت خواستند تا در مقابل پرداخت اموالی، به آنان اجازه دهد در سرزمین خود بمانند و رسول خدا (ص) نیز پذیرفت.

پس از فتح خیبر، یهودیان ساکن فدک نیز چون از فتح خیبر باخبر شدند، پیکی را فرستادند تا از رسول خدا (ص) بخواهد که با نیمی از اموالشان با آنان مصالحه کند و آن حضرت نیز پذیرفت. بنابراین، فدک بدون جنگ و حرکت نظامی به رسول خدا (ص) واگذار شد و چون بدون جنگ به دست آمد و براساس مصالحه اهل فدک با رسول خدا (ص) به آن حضرت واگذار شد، از اموال شخص رسول خدا (ص) بود. (۱) این موضوع چنان روشن بود که حتی خلیفه دوم نیز بر اختصاص آن به رسول خدا (ص) اعتراف کرده است. (۲)

پس از آنکه آیه وَ آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَشْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ... (اسراء: ۲۶) نازل شد، رسول خدا (ص) فدک

۱- السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۵۳؛ تاریخ، خلیفه بن خیاط، ص ۳۹؛ المحبر، محمد بن حبیب، ص ۱۲۱؛ المعارف، ص ۱۶۲؛ فتوح البلدان، بلاذری، صص ۳۸ و ۳۹؛ تاریخ، طبری، ج ۳، ص ۱۵.

۲- المغازی، ج ۱، ص ۳۷۸.

ص: ۷۷

را به حضرت فاطمه (علیها السلام) بخشید. (۱)

فدک دارای چشمه‌ای جوشان (۲) و سرزمینی حاصل خیز بود که تا زمان رحلت رسول خدا (ص) در اختیار حضرت فاطمه (علیها السلام) قرار داشت. اما پس از رحلت رسول خدا (ص) و پس از آنکه ابوبکر خلیفه شد، مأموران ابوبکر، کار گزاران حضرت فاطمه (علیها السلام) را از فدک اخراج و آنجا را غصب کردند. حضرت فاطمه (علیها السلام) چون از این موضوع باخبر شد به ابوبکر اعتراض کرد. اما ابوبکر با خواندن روایتی نادرست و ساختگی از رسول خدا (ص)، به اعتراض آن حضرت اعتنا نکرد. روایت ساختگی ابوبکر این بود که رسول خدا (ص) فرمود:

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورِثُ مَا تَرَكَنَا صَدَقَةً.

از ما پیامبران، ارث برده نمی‌شود و آنچه برجا می‌گذاریم صدقه است.

پس از این، حضرت فاطمه (علیها السلام) بر او غضب کرد و پس از شش ماه با همین غضب از دنیا رفت (۳)

۱- فتوح البلدان، ص ۴۲؛ مسند، ابویعلی موصلی، ج ۲، ص ۳۳۴؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۴۳؛ الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۷۷.

۲- معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۳۸.

۳- ر. ک: الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۳؛ المسند، احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۶؛ صحیح بخاری، ج ۴، ص ۴۲؛ السنن الکبری، ج ۶، ص ۳۰۱.

ص: ۷۸

در حالی که با ابوبکر سخن نگفت. (۱)

بر پایه گزارشی دیگر، پس از آنکه ابوبکر ادعا کرد که فدک از اموال رسول خدا (ص) نبوده، بلکه از اموال مسلمانان است، حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: «هرگز با تو سخن نمی‌گویم و خداوند را ضد شما می‌خوانم».

هنگامی که زمان رحلت آن حضرت فرا رسید، وصیت کرد که ابوبکر در نماز بر ایشان حاضر نشود و شبانه به خاک سپرده شود. (۲)

بنابر نقلی، پس از رفتار آن دو با حضرت فاطمه (علیها السلام)، چون آنان خواستند خود را از این چالش نجات دهند، عمر به ابوبکر گفت: «بیا تا نزد فاطمه برویم که ما او را خشمگین کرده‌ایم». آنان آمدند و اجازه ورود خواستند، اما آن حضرت به آن دو اجازه ورود نداد. آنان سپس نزد امام علی (ع) رفتند و از ایشان اجازه گرفتند و آن حضرت آنان را نزد حضرت فاطمه برد. اما همین که آن دو نزد آن حضرت نشستند، ایشان صورت خود را به سمت دیوار برگرداند و به آنان نگاه نکرد. آن دو، بر ایشان سلام کردند، اما

۱- الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۲۹۳؛ تاریخ المدینة المنوره، ابن شبهه، ج ۱، ص ۱۹۷؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۴، ص ۵۷۳.

۲- السقیفه و فدک، جوهری، صص ۱۰۱ و ۱۰۲؛ درباره به خاک سپردن شبانه ایشان در بخش دیگری سخن خواهیم گفت.

ص: ۷۹

جواب آنان را نداد و فرمود:

خدا و ملائکه‌اش را شاهد می‌گیرم که شما دو نفر مرا خشمگین کردید و مرا خشنود نکردید و اگر پیامبر (ص) را ملاقات کنم از شما شکایت خواهم کرد.

و خطاب به ابوبکر فرمود: «به خدا سوگند! در هر نمازی که می‌خوانم بر تو نفرین می‌کنم». (۱)

همچنین بنا بر نقلی، حضرت فاطمه (علیها السلام) به آنان فرمود: «اگر حدیثی از رسول خدا (ص) برایتان بخوانم، می‌پذیرید؟» گفتند: «آری!» فرمود:

آیا نشنیدید رسول خدا (ص) فرمود: «خشنودی فاطمه، خشنودی من و خشم او خشم من است. هر کس فاطمه را خشنود کند، مرا خشنود کرده و هر کس او را خشمگین کند، مرا خشمگین کرده است؟»

گفتند: «آری! شنیدیم». فرمود:

پس من، خدا و ملائکه‌اش را شاهد می‌گیرم که شما مرا خشمگین کردید و خشنودم نساختید و اگر پیامبر (ص) را ملاقات کنم، حتماً از شما شکایت می‌کنم.

ابوبکر گفت: «من از خشم خدای متعال و از خشم

ص: ۸۰

تو ای فاطمه به خدا پناه می‌برم». سپس شروع به گریستن کرد، چنان‌که نزدیک بود جان دهد. در حالی که حضرت فاطمه می‌فرمود: «به خدا سوگند! پس از هر نماز بر شما نفرین می‌کنم». سپس ابوبکر بیرون رفت و چون مردم دور او جمع شدند، به آنان گفت: هر یک از شما شب را کنار همسر و خانواده خود، با شادمانی سپری می‌کنید و مرا به حال خود رها می‌کنید. من به بیعت شما نیاز ندارم. بیعت با من را رها کنید. (۱)

کسب رضایت و خشنودی حضرت فاطمه (علیها السلام) برای مسلمانان چنان اهمیت داشت که بسیاری از مسلمانان تا سال‌ها بدان پای‌بند بودند. برای نمونه، هنگامی که [ده‌ها سال بعد،] «عبدالله بن حسن مثنی»، یکی از نوادگان امام حسن مجتبی (ع)، که نوجوانی بیش نبود، در مجلسی بر «عمر بن عبدالعزیز» وارد شد، عمر بن عبدالعزیز به احترام او برخاست و از او استقبال کرد. در این هنگام اقوام عمر بن عبدالعزیز او را سرزنش کردند که چرا چنین کرده است. اما عمر بن عبدالعزیز گفت:

ص: ۸۱

از شخص مورد اعتمادی شنیدم چنان که گویی از خود رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: «فاطمه پاره تن من است. آنچه او را مسرور کند، مرا مسرور خواهد کرد». من می‌دانم که اگر فاطمه زنده بود، از این رفتاری که با فرزندش کردم، مسرور می‌شد. (۱)

به‌ویژه آنکه در نقلی دیگر آمده است:

رسول خدا (ص) به امیرمؤمنان علی (ع)، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام) نگاه کرد و فرمود:

«أَنَا حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَ سَلَّمَ لِمَنْ سَأَلَكُمْ». (۲)

یا آنکه این جمله را زمانی فرمود که به امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام) نگاه کرد. (۳)

از برخی گزارش‌های تاریخی برمی‌آید که غصب فدک، تنها غصب یک مزرعه نبود، بلکه نوعی زمینه‌سازی بود تا اهل بیت (علیهم السلام) هیچ‌گاه به فکر طلب حق خود که مهم‌ترین حق آنان خلافت بود، نیفتند. این موضوع به خوبی در گفت‌وگویی که میان

۱- فضل آل البیت، مقریزی، ص ۹۹؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۰۷.

۲- «با کسی که با شما بجنگد در جنگم، و با کسی که با شما صلح کند در صلح و آشتی هستم». مسند احمد، ج ۲، ص ۴۴۲؛ المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۴۰؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۴۹.

۳- المصنف، ابن ابی شیبہ، ج ۷، ص ۵۱۲؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۴۳۴.

ص: ۸۲

«ابن ابی‌الحدید» و استادش صورت گرفته، منعکس شده است. (۱)

ج) سقط فرزند

از نکات قابل بررسی و مورد اختلاف گزارش‌های تاریخی، موضوع سقط فرزند حضرت فاطمه (علیها السلام) در پایان عمر مبارکشان، در جریان هجوم به خانه آن حضرت است. با آنکه برخی از منابع اهل سنت به کلی این موضوع را منکر شده‌اند، اما قول مشهور و قطعی بین شیعه آن است که در جریان اهانت به آن حضرت، فرزند پسری از ایشان به نام «مُحَسِّن» [نه مُحْسِن] سقط شده است. اتفاقاً شماری از منابع قابل اعتنا از اهل سنت نیز به این موضوع اشاره کرده و برخی از آنان حتی نام او را مطابق آنچه در میان شیعیان شهرت دارد، آورده‌اند.

شاید مهم‌ترین خبری که در این باره وجود داشته و امروزه از میان رفته است، خبر «ابن قتیبه دینوری» (م ۲۷۹) باشد. «ابن شهر آشوب» (م ۵۸۸) به نقل از کتاب «المعارف» ابن قتیبه می‌نویسد: «مُحَسِّن بر اثر زخمی سقط شد که به سبب ضربه «فُنْفُذُ عَدُوِّ» (غلام

۱- ر. ک: شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۶، ص ۲۸۴.



ص: ۸۳

عمر بن خطاب) به حضرت فاطمه (علیها السلام) به وجود آمد». (۱)

متأسفانه در چاپ موجود المعارف، این خبر وجود ندارد و به جای آن «محسن بن علی» یکی از پسران امیرمؤمنان (ع) شمرده شده که در زمان خردسالی در گذشته است. (۲)

روشن است که این خبر، تحریف شده است و خبر اصلی در نسخه‌های جدید کتاب المعارف وجود ندارد. با این خبر، تنها نام پسر امیرمؤمنان (ع) ثابت می‌شود. البته رحلت او در خردسالی، مطلبی عجیب است که می‌توان گفت به هنگام تحریف، جایگزین خبر سقطشدن محسن شده است؛ به‌ویژه آنکه در پاره‌ای از منابع اهل سنت اشاره شده است که حضرت فاطمه (علیها السلام) بر اثر هجوم یا ضربه به آن حضرت فرزند خود را سقط کرد و می‌تواند تأیید نقل ابن‌قتیبه باشد.

برای نمونه، «شهرستانی» (م ۵۴۸) به نقل از «نظام» چنین گوید: «عمر در روز بیعت [برای ابوبکر] به شکم فاطمه (علیها السلام) ضربه‌ای زد که بر اثر آن، جنین آن حضرت سقط شد». (۳)

۱- مناقب آل ابی‌طالب، ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۱۳۳.

۲- المعارف، ص ۲۱۱.

۳- الملل و النحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۵۹؛ صفدی م ۷۶۴ نیز به همین خبر اشاره کرده است؛ ر. ک: الوافی بالوفیات، ج ۶، ص ۱۷.

ص: ۸۴

«مَقْدَسِی» (م ۵۰۷) نیز به این خبر اشاره کرده است، اما آن را به شیعه نسبت می‌دهد و می‌گوید: «بیشتر صاحبان آثار، محسن را نمی‌شناسند» (۱).

ابن ابی‌الحدید (م ۶۵۶) با صراحت به این موضوع اشاره نکرده است، اما می‌گوید: هنگامی که زینب (دختر یا ربیبه رسول‌خدا (ص)) از مکه خارج شد و «هَبَّار بن اسود» او را ترساند به طوری که جنین او سقط شد، رسول‌خدا (ص) خون هَبَّار را مباح شمرد. روشن است که اگر رسول‌خدا (ص) در قید حیات بود، خون کسی که حضرت فاطمه (علیها السلام) را ترسانده و باعث سقط جنینش شده است، مباح می‌دانست. (۲)

«ذهبی» (م ۷۴۸) هم در شرح حال «احمد بن محمد محدّث» گوید:

نزد او حاضر بودم که مردی به او می‌گفت: «عمر با لگد به فاطمه (علیها السلام) ضربه زد تا آنکه او محسن را سقط کرد». (۳) افزون بر این، «جَوْنِی» (م ۷۳۰) در گزارشی

۱- البدء و التاریخ، مقدسی، ج ۵، ص ۲۰.

۲- شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۴، ص ۱۹۳.

۳- میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۳۹؛ چنان که ابن حجر نیز به همین خبر اشاره کرده است؛ ر. ک: لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۶۸.

ص: ۸۵

طولانی از «ابن عباس» از رسول خدا (ص) نقل کرده است که آن حضرت با اشاره به مشکلات و مصیبت‌هایی که برای حضرت فاطمه (علیها السلام) پیش خواهد آمد، کسانی را که باعث ستم و غصب حق ایشان شدند، لعنت کرد و از خداوند برای کسی که سب ضربه به آن حضرت و سقط جنین ایشان شد، آتش جاودان درخواست کرد و ملائکه نیز آمین گفتند. (۱)

د) شهادت حضرت فاطمه (علیها السلام)

حضرت فاطمه (علیها السلام) پس از عمری بسیار کوتاه، اما پربرکت رحلت کرد و بنابر نظر مشهور شیعه به شهادت رسید. همان گونه که در زمان تولد ایشان اختلاف نظر وجود دارد، در زمان شهادت و مدت زندگی ایشان نیز اختلاف است. بنابر نظر مشهور شیعه، ایشان در روز سوم جمادی‌الثانیه سال یازده هجری در سن هجده سالگی به شهادت رسید که براساس آنکه رسول خدا (ص) در روز بیست و هشتم ماه صفر سال یازدهم رحلت کرده باشد، حضرت فاطمه (علیها السلام) ۹۵ روز پس از پدر بزرگوارشان از دنیا رفته است

۱- فوائد السمطین، جوینی، ج ۲، صص ۳۴ و ۳۵.

ص: ۸۶

اما در این باره، اقوال مختلف دیگری نیز وجود دارد. شهادت ایشان را یک‌ماه (۱)، چهل روز (۲)، دوماه (۳)، هفتاد روز (۴)، ۷۵ روز (۵)، سه ماه (۶)، نود روز (۷)، ۹۵ روز (۸)، یکصد روز (۹)، چهار ماه (۱۰)، پنج ماه (۱۱)، ده روز کمتر از شش ماه (۱۲)، دو روز کمتر از شش ماه (۱۳)، شش ماه (۱۴)، هشت ماه (۱۵) و چند ماه (۱۶) پس از رسول خدا (ص) آورده‌اند که به تناسب همین اختلاف و نیز به سبب اختلاف در زمان ولادت آن حضرت، سن ایشان را نیز

- ۱- فتح الباری، ج ۷، ص ۸۲.
- ۲- تذکره الخواص، سبط بن جوزی، ص ۲۶۸؛ ذخائر العقبی، طبری، ص ۵۲.
- ۳- المستدرک، ج ۳، ص ۱۶۳؛ دلائل النبوه، ج ۶، ص ۳۶۵.
- ۴- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۴۸.
- ۵- ذخائر العقبی، ص ۵۲؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۲.
- ۶- الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۲۳؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۶۲؛ دلائل النبوه، ج ۶، ص ۳۶۵.
- ۷- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۲.
- ۸- الذریة الطاهرة النبویه، ص ۱۵۱؛ الاصابه، ج ۸، ص ۲۶۷.
- ۹- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۲؛ تهذیب الکمال، ج ۳۵، ص ۲۵۲.
- ۱۰- الاصابه، ج ۸، ص ۲۶۷.
- ۱۱- سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۱.
- ۱۲- تذکره الخواص، ص ۲۶۷.
- ۱۳- تهذیب الکمال، ج ۳۵، ص ۲۵۲.
- ۱۴- الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۲۳؛ دلائل النبوه، ج ۶، ص ۳۶۵.
- ۱۵- دلائل النبوه، ج ۶، ص ۳۶۵.
- ۱۶- سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۵۴.

ص: ۸۷

به هنگام شهادتشان، حدود ۱۸ سال (۱)، ۲۱ سال (۲)، ۲۴ سال (۳)، ۲۵ سال (۴)، ۲۷ سال (۵)، ۲۸ سال (۶)، ۲۸ سال و شش ماه (۷)، ۲۹ سال (۸)، ۳۰ سال (۹) و ۳۵ سال (۱۰) هم گفته‌اند.

البته همان گونه که بیان شد، نظر مشهور شیعه بر هجده سال بودن ایشان به هنگام شهادت است و با شواهدی که در بخش مربوط به ولادت بیان شد، می‌توان حداکثر سن ایشان را ۲۱ سال دانست که برخی منابع یادشده هم بدان اشاره کرده‌اند. البته آن دسته از منابع اهل سنت که ولادت ایشان را پنج سال پیش از بعثت و در ۳۵ سالگی رسول خدا (ص) آورده‌اند

- ۱- الهدایة الكبرى، خصیبی، ص ۱۷۶؛ خصیبی سنّ ایشان را دقیقاً هجده سال و دو ماه و ۲۵ روز آورده است.
- ۲- کتاب الثقات، ج ۳، ص ۳۳۴؛ المنتظم، ابن جوزی، ج ۴، ص ۹۵؛ فتح الباری، ج ۷، ص ۸۲.
- ۳- سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۱؛ فتح الباری، ج ۷، ص ۸۲.
- ۴- جمهره انساب العرب، ابن حزم، ص ۱۷؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۲۱.
- ۵- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۹، ص ۲۱۱.
- ۶- تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۳۹۲.
- ۷- تذکره الخواص، ص ۲۶۸.
- ۸- تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۴۰؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۱۵۷؛ تذکره الخواص، ص ۲۶۸.
- ۹- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۲؛ تذکره الخواص، ص ۲۶۸.
- ۱۰- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۲؛ تهذیب الکمال، ج ۳۵، ص ۲۵۳.

ص: ۸۸

و سن ایشان را به هنگام شهادت ۲۴ یا ۲۵ سال یا ۲۷ سال ذکر کرده‌اند، ناخواسته دچار ناهماهنگی و تضاد شده‌اند؛ زیرا اگر آن حضرت پنج سال پیش از بعثت به دنیا آمده باشد، باید به هنگام شهادت ۲۸ سال داشته باشد که تعداد بسیار اندکی از این منابع به ۲۸ سال (۱)، یا ۲۸ سال و شش ماه (۲) اشاره کرده‌اند که آن نیز به دلیل اینکه ولادت ایشان پیش از بعثت و معراج درست نیست، نمی‌تواند قابل قبول باشد.

به‌هرحال، منابع تاریخی، گزارشی را از خادم رسول‌خدا (ص) [که به احتمال خادم حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز بوده است] نقل کرده‌اند که لحظات جانگداز پایان عمر دختر رسول‌خدا (ص) را حکایت می‌کند که چه غریبانه از دنیا رفت. البته منابع موجود، نام این خادم را که راوی این گزارش‌ها و شاهد ماجرا بوده است، سلمی (۳)، ام‌سلمی (۴)، ام‌سلمه (۵)، سلمه (۶)، ام‌رافع (۷) و

۱- تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۳۹۲.

۲- ر. ک: تذکره الخواص، ص ۲۶۸.

۳- الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۲۲؛ الدرر النبیة الطاهرة النبویه، ص ۱۵۴.

۴- مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۴۶۱؛ اسد الغابه، ابن اثیر، ج ۷، ص ۳۳۲.

۵- کشف الغمه، اربلی، ج ۲، ص ۱۲۴؛ سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۴۹.

۶- تنقیح التحقيق، ذهبی، ج ۱، ص ۳۰۵.

۷- الاصابه، ج ۸، ص ۲۶۷.

ص: ۸۹

اسماء بنت عُمَیس (۱) ثبت کرده‌اند.

از نظر برخی منابع، چون اسماء بنت عُمَیس همسر ابوبکر بوده است، بعید می‌نماید که در خدمت حضرت فاطمه (علیها السلام) بوده باشد. (۲) شاید به همین دلیل است که برخی منابع، وی را سلمی بنت عمیس، خواهر اسماء دانسته‌اند. (۳)

اما گزارشی دیگر بیانگر آن است که عایشه پس از شهادت حضرت فاطمه (علیها السلام) قصد ورود به خانه آن حضرت را داشت، اما اسماء بنت عمیس مانع او شد و چون عایشه نزد ابوبکر شکایت کرد، ابوبکر از اسماء در این باره توضیح خواست و او گفت که بنابر وصیت حضرت فاطمه (علیها السلام)، به کسی اجازه ورود به خانه‌اش را نمی‌دهد و ابوبکر نیز کار او را تأیید کرد. (۴) از این رو بعید نیست اسماء در خدمت حضرت فاطمه (علیها السلام) بوده باشد؛ به ویژه آنکه همکاری اسماء با امیرمؤمنان (ع) برای تجهیز و خاک‌سپاری حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز مشهور و معتبر است. (۵) با این حال، چون بیشتر منابع

۱- احقاق الحق، مرعشی، ج ۳۳، ص ۳۸۶.

۲- الاصابه، ج ۸، ص ۲۶۶.

۳- ر. ک: حیاة الامام الحسین ع، شریف قرشی، ج ۱، ص ۲۷۱.

۴- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۱؛ اسدالغابه، ج ۷، ص ۲۲۱.

۵- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۲.

ص: ۹۰

یادشده، نام این خادم را سلمی یا ام سلمی گفته‌اند و در شمار خادمان رسول خدا (ص) از سلمی (مادر رافع یا ابورافع) یاد کرده و شرح حال او را آورده‌اند<sup>(۱)</sup>، نیز در گزارشی، سلمی در کنار اسماء و امیرمؤمنان (ع) در غسل دادن حضرت فاطمه (علیها السلام) مشارکت داشته است،<sup>(۲)</sup> به نظر می‌رسد، هم سلمی [مادر ابورافع نه سلمی بنت عمیس] و هم اسماء هر دو در روزهای پایانی عمر حضرت فاطمه (علیها السلام) در خدمت ایشان بوده‌اند، اما این گزارش از سلمی نقل شده است. به هر صورت، از سلمی نقل کرده‌اند که گفت:

حضرت فاطمه (علیها السلام) در روزی که از دنیا رفت، پیش از رحلتش به من فرمود: «برایم آبی بیاور تا غسل کنم». آب آوردم و او به بهترین صورت غسل کرد و فرمود: «لباس‌های نو برایم بیاور و بستر مرا میان خانه قرار ده». چنین کردم و آن حضرت رو به قبله خوابید و دست‌های خود را زیر صورتش گذاشت و فرمود: «اکنون جان مرا می‌گیرند، درحالی که غسل کرده‌ام. پس کسی کتف مرا آشکار نکند». سلمی گوید: «چون امام علی (ع) آمد، این سخن را به او گفتم، فرمود: «به

۱- ر. ک: البدایه و النهایه، ج ۵، ص ۳۵۰.

۲- همان، ص ۳۲۹.



ص: ۹۱

خدا سوگند! کسی جامه از کتف او کنار نخواهد زد و ایشان را برد و با همان غسل او را به خاک سپرد» (۱).

البته درباره درستی این خبر که ایشان را دوباره غسل دادند یا نه، باید توجه داشت که خبر یادشده یک گزارش تاریخی است که به تنهایی نمی‌تواند مستند استنباط حکم فقهی قرار گیرد یا محتوای این خبر را اثبات کند. این خبر به این علت بیان شد که در منابع کهن تاریخی اهل سنت آمده است و بیانگر نهایت مظلومیت دختر پیامبر (ص) است؛ زیرا این پرسش پیش می‌آید چرا حضرت فاطمه (علیها السلام) درخواست کرده است که جامه از کتفش کنار نزنند؟

چنان‌که بنا بر نقلی دیگر، آن حضرت هنگام رحلت غسل کرد و کفن پوشید و به امام علی (ع) سفارش کرد که پس از رحلتش، کفن او را باز نکند و با همان کفن او را به خاک سپارد. (۲) موضوع مهم دیگر آن است که براساس اخبار معتبر در منابع اهل سنت، آن حضرت شبانه دفن شد. (۳) با آنکه این موضوع جای بررسی و کنکاش جدی دارد، بسیار شگفت‌انگیز است

---

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۳.

۲- الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۱.

۳- ر. ک: الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۴؛ المصنف، ج ۳، ص ۳۱؛ تاریخ المدینة المنوره، ج ۱، ص ۱۰۷؛ کتاب الثقات، ج ۳، ص ۳۳۴.

ص: ۹۲

که چرا هیچ‌یک از این منابع به بررسی چنین موضوعی نپرداخته‌اند که چرا آن حضرت را شبانه دفن کردند. از نکات قابل توجه و عبرت‌آموز این است که آن حضرت پیش از رحلت، بسیار نگران بود که به هنگام تشییع جنازه‌اش، حجم پیکر ایشان دیده شود. از این رو، چون در این باره با اسماء بنت عمیس سخن گفت، اسماء به ایشان پیشنهاد کرد که همچون دیار حبشه از تابوت استفاده شود و آن حضرت از این پیشنهاد بسیار خشنود شد. گفته‌اند نخستین تابوت، برای ایشان ساخته شد. (۱)

امام علی (ع)، عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، ابوهریره، سلمه بن اکوع، انس بن مالک، عایشه، ام‌سلمه و اسماء بنت عمیس از حضرت فاطمه (علیها السلام) روایت نقل کرده‌اند. (۲)

ه) آرامگاه حضرت فاطمه (علیها السلام)

از مصیبت‌های عالم تشیع، بلکه عالم اسلام، پنهان بودن مزار یگانه دختر محبوب پیامبر (ص) است. در

۱- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۳؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۱.

۲- معرفة الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۸۷.

ص: ۹۳

اینجا تنها از جنبه تاریخی، البته به اختصار، به مطالبی اشاره خواهیم کرد. در منابع موجود، به محل دقیق آرامگاه حضرت فاطمه (علیها السلام) اشاره نشده است و نمی‌توان مرقد آن حضرت را به‌طور دقیق معرفی کرد. اما در برخی از منابع، گزارش‌هایی وجود دارد که به محل دفن آن حضرت اشاره کرده است. البته به علت نادر بودن این گزارش‌ها و متعدد بودن مکان‌هایی که برای مرقد ایشان معرفی شده‌اند، یافتن آرامگاه دقیق ایشان ممکن نیست و تنها می‌توان احتمال داد که مرقد ایشان در این چند نقطه قرار دارد.

مکان نخست: براساس برخی اخبار، یکی از این نقاط، خانه خود حضرت فاطمه (علیها السلام) است. (۱)

مکان دوم: روضه شریفه مسجدالنبی (ص) است. (۲)

مکان سوم: قبرستان بقیع در مدینه منوره است. (۳)

برخی منابع گفته‌اند مرقد ایشان در محلی از بقیع (۴) یا در گوشه سمت راست خانه «عقیل بن ابی طالب»

۱- تاریخ المدینة المنوره، ج ۱، ص ۱۰۷؛ ترجمه الامام الحسین ع، ابن عساکر، ص ۲۰۶؛ مناقب، ج ۳، ص ۱۳۲.

۲- المقنعه، مفید، ص ۴۵۹؛ مناقب، ج ۳، ص ۱۳۲.

۳- تاریخ المدینة المنوره، ج ۱، ص ۱۰۷.

۴- مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی، ص ۴۸؛ معرفة الصحابه، ج ۶، ص ۳۱۸۷.

ص: ۹۴

در بقیع یا در خروجی کوچه‌ای بین خانه عقیل و خانه «ابونبیه» واقع شده است. (۱)

بنابر نقلی دیگر، آن حضرت نزد مسجدی در بقیع دفن شده است که در آنجا بر مردگان نماز می‌خواندند. اما برخی گفته‌اند در گوشه خانه عقیل در کنار خانه جحشی‌ها رو به قبله در خروجی بنی نبیه از «بنی عبدالدار» در بقیع دفن شد و بین قبر او تا راه هفت ذراع فاصله است. «مغیره بن عبدالرحمان بن حارث بن هشام» قصد داشت این خانه را به هر قیمتی خریداری کند، اما فرزندان عقیل آن را نفروختند. (۲)

به گفته مسعودی (صاحب کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر) تا زمان وی (حدود سال ۳۴۰ ه. ق) تکه کوزه‌ای در بقیع وجود داشته است که روی آن نوشته بود: «این قبر فاطمه (علیها السلام) است». (۳)

مهم‌ترین پرسش پس از شهادت حضرت فاطمه (علیها السلام) این است که چرا مزار آن حضرت پنهان ماند و همچنان پنهان است.

۱- تاریخ المدینة المنوره، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۵.

۳- التنبیه و الاشراف، مسعودی، ص ۲۶۰.

ص: ۹۵

متأسفانه از گزارش‌های تاریخی، نمی‌توان پاسخ روشنی برای این پرسش یافت. اما با استفاده از برخی گزارش‌ها و شواهد می‌توان بدان پاسخ داد.

مهم‌ترین دلیلی که برای پنهان ماندن مرقد آن حضرت مطرح شده، وصیت خود حضرت فاطمه (علیها السلام) است که پیش از شهادت وصیت کرد هیچ‌یک از کسانی که آن حضرت از آنان ناخشنود بود، در تشییع پیکر، اقامه نماز و دفن او حضور نیابند. اما پرسش دیگری که مطرح می‌شود این است که وی آنان را از حضور در این مراسم منع کرد. اما چرا پس از دفن آن حضرت، همچنان مزار ایشان پنهان ماند؟ چرا پنهان ماندن مرقد ایشان چنان اهمیت داشت که صورت چند قبر برای ایشان ساختند که قبر اصلی شناخته نشود؟

به نظر می‌رسد اگر آنان که حضرت فاطمه (علیها السلام) از آنان ناراضی بود تنها از حضور در مراسم تجهیز و تدفین آن حضرت منع می‌شدند و سپس مزار آن حضرت برای همگان آشکار می‌شد، تاریخ به خوبی نمی‌توانست آن نارضایتی حضرت فاطمه (علیها السلام) را در دل خود ثبت کند و این ناخشنودی که براساس روایات، ملاک تشخیص سعادت و شقاوت افراد بود، به مرور

ص: ۹۶

زمان فراموش یا دچار تحریف یا تبدیل و حذف می‌شد. بنابراین، مرقد پاک دختر یگانه رسول خدا (ص) برای همیشه پنهان ماند تا همگان در طول تاریخ بدانند دنیاپرستان چه ظلم سنگینی را بر آن حضرت روا داشتند و نخستین سنگ بنای ظلم بر خاندان رسول خدا (ص) را چه ظالمانه بنیان نهادند.

ص: ۹۷

آموزه‌های حضرت فاطمه (علیها السلام)

زندگی انسان‌های بزرگ و کامل، به‌ویژه آنان که به منبع وحی اتصال دارند، مانند پیامبران و امامان به سبب ویژگی‌هایی که دارند سراسر الگو و درس برای دیگران است. زندگی کوتاه حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز، درس‌های بسیار باارزشی را برای بشر، به‌ویژه برای شیعیان به یادگار گذاشته است. گذشته از درس‌های رفتاری آن حضرت که تعالیم بسیاری را از اعمال و رفتار آن حضرت می‌توان آموخت، آن حضرت در قالب گفتار نیز آموزه‌های ارزنده‌ای دارد که در دو بخش سخنان و خطبه‌های ایشان، قابل بررسی است.

سخنان ایشان همان روایاتی است که به مناسبت‌های مختلف از ایشان نقل شده است.

در سال‌های اخیر، برخی نویسندگان در صدد

ص: ۹۸

گردآوری سخنان حضرت فاطمه (علیها السلام) برآمدند و مسندهایی نیز تدوین شده است که هر کدام ممکن است کاستی‌ها یا امتیازاتی داشته باشند. با توجه به آنکه کوتاه‌نویسی در این نوشتار، پسندیده است و بیان سخنان آن حضرت، مجال بیشتری می‌طلبد، از این رو، بدون آنکه در مقام بررسی این کتاب‌ها باشیم، علاقه‌مندان را به کتاب‌های یاد شده که با عنوان مسند و مانند آن سامان یافته‌اند، ارجاع می‌دهیم. (۱)

---

۱- ر. ک: مسند فاطمه الزهراء، حسین شیخ‌الاسلامی؛ مسند فاطمه زهرا علیها السلام، عزیزالله عطاردی؛ مسند فاطمه علیها السلام، مهدی جعفری.



ص: ۹۹

کتابنامه

\* قرآن کریم.

۱. الآحاد و المثانی، عمرو بن ابی عاصم، تحقیق: باسم فیصل احمد جوابره، دارالدرایه، ۱۴۱۱هـ. ق.

۲. احیاء علوم الدین، ابو حامد، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۳. الاستیعاب، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵هـ. ق.

۴. اسدالغابه فی معرفه الصحابه، علی بن محمد بن اثیر، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵هـ. ق.

۵. الاسرار الفاطمیه، محمد فاضل مسعودی، تحقیق: السید عادل علوی، قم، مؤسسه الزائر، ۱۴۲۰هـ. ق.

۶. الاصابه فی تمییز الصحابه، احمد بن علی بن حجر، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵هـ. ق.

۷. أعیان الشیعہ، سید محسن امین، بیروت، دارالتعارف.

۸. الامالی، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: مؤسسه البعثه، قم، دارالثقافه للطباعه والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴هـ. ق.

ص: ۱۰۰

۹. الامالی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۷هـ. ق.
۱۰. الامامه و السياسه، عبدالله بن مسلم بن قتیبه، قم، منشورات رضی و منشورات زاهدی، ۱۳۶۳هـ. ش.
۱۱. امتاع الاسماع، احمد بن علی مقریزی، تحقیق: محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰هـ. ق.
۱۲. أنساب الاشراف، احمد بن یحیی بلاذری، تحقیق: سهیل زکّار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷هـ. ق.
۱۳. انوار التنزیل و اسرار التأویل (تفسیر بیضاوی)، عبدالله بن عمر بیضاوی، بیروت، دارالفکر.
۱۴. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳هـ. ق.
۱۵. البدء و التاریخ، مطهر بن طاهر مقدسی، مکتبه الثقافه الدینیّه.
۱۶. البدایه و النهایه، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، تحقیق: علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸هـ. ق.
۱۷. تاریخ الاسلام، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۰هـ. ق.
۱۸. تاریخ الأمم و الملوک، محمد بن جریر طبری، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی.
۱۹. تاریخ المدینه المنوره، عمر بن شبه نمیری، تحقیق: حبیب محمود احمد، قم، دارالفکر، ۱۴۱۰هـ. ق.
۲۰. تاریخ یعقوبی، احمد بن واضح یعقوبی، بیروت، دار صادر.
۲۱. تاریخ بغداد، احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷هـ. ق.
۲۲. تاریخ مدینه دمشق، علی بن الحسن بن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵هـ. ق.

ص: ۱۰۱

۲۳. التاريخ، خلیفه بن خیاط، تحقیق: سهیل زگار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ه. ق.
۲۴. تذکره الخواص، یوسف بن قزاعلی سبط بن جوزی، قم، منشورات شریف رضی، ۱۴۱۸ه. ق.
۲۵. تفسیر القرآن العظیم، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، تحقیق: یوسف عبدالرحمان المرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ه. ق.
۲۶. تفسیر الکبیر، محمد بن عمر فخر رازی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۷. تفسیر النسفی، ابوالبرکات عبدالله بن احمد نسفی، بی‌نا، بی‌تا.
۲۸. تفسیر فرات الکوفی، فرات بن ابراهیم کوفی، تحقیق: محمد الکاظم، تهران، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ه. ق.
۲۹. تفسیر ابن عربی، محیی‌الدین بن عربی، تحقیق: عبدالوارث محمد علی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ه. ق.
۳۰. تفسیر السمعانی، منصور بن محمد سمعانی، تحقیق: یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس، ریاض، دارالوطن، ۱۴۱۸ه. ق.
۳۱. التمهید، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، تحقیق: مصطفی بن احمد علوی و محمد عبدالکبیر البکری، مغرب، وزارة عموم الاوقاف، ۱۳۸۷ه. ق.
۳۲. التنبیه والاشراف، علی بن الحسین مسعودی، تحقیق: عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، دارالصاوی.
۳۳. تنقیح التحقیق فی احادیث التعلیق، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: مصطفی ابوالغیط عبدالحی عجیب، ریاض، دارالوطن، ۱۴۲۱ه. ق.
۳۴. تهذیب التهذیب، احمد بن علی بن حجر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ه. ق.
۳۵. تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ابوالحجاج یوسف مزّی، تحقیق: سهیل زکار، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ه. ق.

ص: ۱۰۲

۳۶. جامع البیان، محمد بن جریر طبری، تحقیق: صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ه. ق.
۳۷. الجامع لاحکام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، تحقیق: احمد عبدالعلیم البردونی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ه. ق.
۳۸. جمهره النسب، هشام بن محمد بن کلبی، تحقیق: محمود فردوس العظم و محمود فاخوری، دمشق، دارالیقظه.
۳۹. جمهره انساب العرب، علی بن احمد بن حزم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ ه. ق.
۴۰. حلیه الاولیاء، احمد بن عبدالله ابونعیم، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ه. ق.
۴۱. حیاة الإمام الحسین (ع)، باقر شریف قزّشی، نجف، الآداب، ۱۳۹۴ ه. ق.
۴۲. الخصائص الفاطمیة، محمدباقر کجوری، تحقیق: سیدعلی جمال اشرف، قم، شریف رضی، ۱۳۸۰ ه. ق.
۴۳. الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، بیروت، دارالمعرفه.
۴۴. الدر النظیم فی مناقب الائمة، جمال الدین یوسف بن حاتم بن حاتم عاملی، قم، جماعه المدرسین.
۴۵. دلائل الامامه، محمد بن جریر طبری (شیعی)، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ ه. ق.
۴۶. دلائل النبوة، احمد بن الحسین بیهقی، تحقیق: عبدالمعطی قلجی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ه. ق.
۴۷. ذخائر العقبی، احمد بن عبدالله طبری، قاهره، مکتبه القدسی، ۱۳۵۶ ه. ق.
۴۸. الذریة الطاهره النبویه، محمد بن احمد دولابی، تحقیق: سعدالمبارک الحسن، کویت، الدارالسلفیه، ۱۴۰۷ ه. ق.

ص: ۱۰۳

۴۹. ذکر اخبار اصبهان، احمد بن عبدالله ابونعیم، لیدن، مکتبه بریل، ۱۹۳۴ه. ق.
۵۰. سؤالات حمزه بن یوسف، ابوالحسن علی بن عمر دارقطنی، تحقیق: موفق بن عبدالله بن عبدالقادر، ریاض، مکتبه المعارف، ۱۴۰۴ه. ق.
۵۱. سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، محمد بن یوسف صالحی شامی، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ه. ق.
۵۲. السقیفه و فدک، احمد بن عبدالعزیز جوهری، تحقیق: محمدهادی الامینی، بیروت، شرکه الکتبی، ۱۴۱۳ه. ق.
۵۳. السنن الکبری، احمد بن الحسین بیهقی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ه. ق.
۵۴. السنن الکبری، احمد بن شعیب نسائی، تحقیق: عبدالغفار سلیمان بنداری و سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ه. ق.
۵۵. سنن الترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ه. ق.
۵۶. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید بن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دارالفکر.
۵۷. سیر اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: شعیب الارنؤوط و حسین الاسد، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ه. ق.
۵۸. السیره النبویه، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۶ه. ق.
۵۹. السیره النبویه، عبدالملک بن هشام، تحقیق: مصطفی سقا و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

ص: ۱۰۴

۶۰. شرح احقاق الحق، شهاب‌الدین مرعشی نجفی، تحقیق: سیدابراهیم میانجی، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
۶۱. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن ابی‌الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ه. ق.
۶۲. شواهد التنزیل، عییدالله بن احمد حسکانی، تحقیق: محمدباقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ه. ق.
۶۳. صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، محمد بن حبان، تحقیق: شعیب الارنؤوط، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ ه. ق.
۶۴. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ه. ق.
۶۵. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت، دارالفکر.
۶۶. الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، احمد بن محمد بن حجر، قاهره، مکتبه القاهره، ۱۳۸۵ ه. ق.
۶۷. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ه. ق.
۶۸. علل الشرایع، محمد بن علی (شیخ صدوق)، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۶ ه. ق.
۶۹. عمده القاری فی شرح صحیح بخاری، بدرالدین محمود عینی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۷۰. عیون اخبار الرضا (ع)، محمد بن علی (شیخ صدوق)، تحقیق: حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۴ ه. ق.
۷۱. فتح الباری شرح صحیح البخاری، احمد بن علی بن حجر، بیروت، دارالمعرفه.
۷۲. فتح القدر، محمد بن علی شوکانی، عالم الکتب.
۷۳. فتوح البلدان، احمد بن یحیی بلاذری، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸ م.

ص: ۱۰۵

۷۴. الفصول المهمة فی معرفة الائمه، علی بن محمد بن صباح، تحقیق: سامی الغیری، قم دارالحديث، ۱۴۲۲هـ. ق.
۷۵. فضائل الصحابه، احمد بن شعيب نسائي، بيروت، دارالکتب العلمیه.
۷۶. فضائل سیده النساء، عمر بن احمد بن شاهین، تحقیق: ابواسحاق الحوينی الاثری، قاهره، مکتبه التریب الاسلامیه، ۱۴۱۱هـ. ق.
۷۷. فضل آل البيت، احمد بن علی مقریزی، تحقیق: سیدعلی عاشور.
۷۸. فیض القدير، محمد عبدالرؤف مناوی، تحقیق: احمد عبدالسلام، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵هـ. ق.
۷۹. قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، تحقیق: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳هـ. ق.
۸۰. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳هـ. ش.
۸۱. کتاب الثقات، محمد ابن حبان، حیدرآباد هند، مؤسسه الکتب الثقافه، ۱۳۹۳هـ. ق.
۸۲. کتاب الدعاء، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳هـ. ق.
۸۳. کتاب المزار، محمد بن محمد مفید، تحقیق: سیدمحمدباقر ابطحی، قم، المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳هـ. ق.
۸۴. کتاب المغازی، محمد بن عمر واقدی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۰۹هـ. ق.
۸۵. الکشاف، محمود بن عمر زمخشری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۶هـ. ق.
۸۶. کشف الغمه فی معرفة الائمه، علی بن عیسی اربلی، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱هـ. ق.

ص: ۱۰۶

۸۷. الكشف و البيان (تفسیر ثعلبی)، ابواسحاق احمد ثعلبی، تحقیق: ابی محمد بن عاشور و نظیر الساعدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ه. ق.
۸۸. لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ه. ق.
۸۹. لسان المیزان، احمد بن علی بن حجر، بیروت، مؤسسه‌ی الأعلمی، ۱۳۹۰ ه. ق.
۹۰. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علی بن ابی بکر هیثمی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه. ق.
۹۱. المحبر، محمد بن حبیب بغدادی، تصحیح: سید کسروی حسن، قاهره، دارالغد العربی، ۱۴۲۱ ه. ق.
۹۲. المحلّی، علی بن احمد بن حزم، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت، دارالآفاق الجدیده.
۹۳. مروج الذهب، علی بن الحسین مسعودی، قم، مؤسسه‌ی دارالهجره، ۱۴۰۹ ه. ق.
۹۴. مسارّ الشیعہ، محمد بن محمد مفید، تحقیق: مهدی نجف، قم، المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ه. ق.
۹۵. المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، تحقیق: یوسف المرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ه. ق.
۹۶. مسند احمد، احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر.
۹۷. مسند ابی داود، ابوداود طیالسی، بیروت، دارالمعرفه.
۹۸. مسند ابی یعلی، احمد بن علی ابویعلی موصلی، تحقیق: حسین سلیم اسد، دارالمامون للتراث.
۹۹. مصباح المتهدجد، محمد بن حسن طوسی، بیروت، مؤسسه‌ی فقه الشیعہ، ۱۴۱۱ ه. ق.



ص: ۱۰۷

۱۰۰. المصنف، ابن همام عبدالرزاق صنعانی، تحقیق: حبیب‌الرحمان الاعظمی، المجلس العلمی.
۱۰۱. المصنف، عبدالله بن محمد بن ابی‌شبیبه، تحقیق: سعید محمد لحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹هـ. ق.
۱۰۲. المعارف، عبدالله بن مسلم بن قتیبه، تحقیق: ثروت عکاشه، قاهره، دارالمعارف.
۱۰۳. معانی الاخبار، محمد بن علی (شیخ صدوق)، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه‌المدرسین، ۱۴۱۶هـ. ق.
۱۰۴. معجم البلدان، ابو عبدالله بن عبدالله یاقوت حموی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹هـ. ق.
۱۰۵. المعجم الکبیر، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی، قاهره، مکتبه ابن تیمیة.
۱۰۶. معجم ما استعجم، عبدالله بن عبدالعزیز بکری، تحقیق: مصطفی سقا، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳هـ. ق.
۱۰۷. معرفة الصحابة، احمد بن عبدالله ابونعیم، تحقیق: عادل بن یوسف العزازی، ریاض، دارالوطن للنشر، ۱۴۱۹هـ. ق.
۱۰۸. مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، نجف، المکتبه الحیدریه، افسر قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۳۸۵هـ. ق.
۱۰۹. مقتل الحسین، موفق بن احمد خوارزمی، تحقیق: شیخ محمد السماوی، قم، انوارالهدی، ۱۴۱۸هـ. ق.
۱۱۰. المقنعة، محمد بن محمد مفید، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰هـ. ق.
۱۱۱. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، بیروت، دارالحوراء، ۱۴۰۸هـ. ق.
۱۱۲. الملل و النحل، محمد بن عبدالکریم شهرستانی، تخریج: محمد فتح الله بدران، قاهره، مکتبه الانجلو المصریه.

ص: ۱۰۸

۱۱۳. مناقب آل ابی‌طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، تحقیق: لجنة من اساتذة النجف الاشرف، نجف، مكتبة الحيدريه، ۱۳۷۶هـ. ق.
۱۱۴. مناقب علی بن ابی‌طالب و ما نزل من القرآن فی علی، ابوبکر بن مردویه، جمع و تقدیم: عبدالرزاق محمد حسین حرزالدین، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۴هـ. ق.
۱۱۵. المناقب، موفق بن احمد خوارزمی، تحقیق: مالک المحمودی، قم، جماعة المدرسين، ۱۴۱۱هـ. ق.
۱۱۶. المنتظم، عبدالرحمان ابن جوزی، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲هـ. ق.
۱۱۷. الموطأ، مالک بن انس، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۷هـ. ق.
۱۱۸. میزان الاعتدال فی نقد الرجال، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۸۲هـ. ق.
۱۱۹. النوادر، فضل الله راوندی، تحقیق: سعیدرضا علی عسکری، قم، مؤسسه دارالحدیث الثقافیه.
۱۲۰. الهدایه الکبری، حسین بن حمدان خصیبی، بیروت، مؤسسه البلاغ، ۱۴۱۱هـ. ق.
۱۲۱. الوافی بالوفیات، خلیل بن أبیک صفدی، کوشش: یوسف فان اس، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۱هـ. ق.
۱۲۲. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: محمد رازی و ابوالحسن شعرانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

